



# امین

مخصوص جامعه بهائی است

“اجتہاداً قطعیاً نباید هیچ خبری داخل شوند و در امور سیاسی مداخله نمایند”

حضرت عبدالباقی

شماره ششم شهر الحکامات ۱۳۲۲ ب.ع

شماره ۱۳۴۴

ژوئیه ۱۹۶۵

شماره ۴ سال ۲۰

شماره مسلسل ۲۲۰

## فهرست مندرجات

صفحه	
۱۳۸	لوح مبارك حضرت بهاء الله جل جلاله
۱۳۹	محك ايمان
۱۴۴	قلمه شيخ طبرسي
۱۵۱	كتاب مفاوضات (۲)
۱۵۸	آفتاب حقيقت (شعر)
۱۵۹	نغمه های بزم انس (شعر)
۱۶۱	تاريخچه نفوذ امر در ژاپن
۱۶۸	صفحه ای از يك كتاب (برهان لامع)
۱۷۰	نامه های تاريخی
۱۷۲	عكسهای تاريخی
۱۷۵ - ۱۸۶	قسمت نوجوانان

عکس روی جلد - دیدار پرنس تومین " رئیس جمهور لیبریا و بانو از مقام اعلی در طرفین رئیس جمهور از چپ بر است - ایادی امرالله پل هنی - خانم تومین - امة البهاء روحیه خانم - آقای آباکوشی (شهردار حیفا)

## بنام محبوب عالمیان

ای عزیز انشاء الله بعنایت کریم از حد ودات بشریه مقدس و طاهر  
شده بساحت احدیه ناظر باشی و بشانی در محبة الله مشتعل باشی  
که هیچ حجابی ترا از سببش منع ننماید و هیچ امری ترا از ذکر  
و شنایش باز ندارد در کل احیان بذکر الله مشغول باش و بذیل <sup>حجتش</sup>  
متشبت شو و از حق جل و عز آمل و سائل تا ترا در سبیل معجتش  
مستقیم دارد و از اشارات و دلالات مشرکین و معرضین حفظ  
نماید آنه هو المقتدر القدير نیکوست حال لسانی که الیوم  
بذکر الله ناطق شد و قلبی که بمنحبتش فائز گردید و وجهی که  
از وجوه اهل عالم منقطع شد و بوجهش توجه نمود نسئل الله  
بان یوفقک علی ذکره و نصره امره بیزعباده آنه لهو المهيمن

المقتدر المتعالی العلی العظیم

# محک ایمان

دکتر باهر منیرقانی



يك نظر بوضع تشکیلات جهانی امر الله نشان میدهد که امر بهائی با سرعت و توسعه بیسابقه و نظیری در اطراف و اکناف کره ارض در حال استقرار و انتشار است . نقشه دهساله حضرت ولی مقدس امر الله یعنی جهاد کبیر اکبر روحانی با کلیل فتح و ظفر مطرز گردید و موجبات استقرار امر الله را در عالم انسانی فراهم نمود اکنون نیز نقشه نه ساله بیت العدل اعظم ، اولین نقشه آن دیوان عدل الهی به کمال قدرت و سرعت در حال تقدم و پیشرفت است . تبلیغ دسته جمعی نفوس در مناطق مخصوصه متحقق و بنقاط جدید در قارات مختلفه عالم در حال رخنه و نفوذ است . تعداد مدارس بهائی برای تعلیم و تربیت نفوسیکه فوج در ظل امر الله وارد میشوند درازد یاد و موقوفات امریه در سراسر عالم در اتساع است بطور خلاصه روزی نیست که بگذرد و گروهی تازه در ظل امر الله در نیایند و یا مشروع تازه ای تاسیس نشود و فتحی جدید برفتوحات سابقه افزوده نگردد .

این پیشرفت ها و توسعه ها - این فتوحات و انتصارات گرچه موعود آثار مبارکه و موید و مستظهر بقوه روح القدس میباشد معذک تحقق شان در عالم امکان منوط و وابسته - بوسائل مادیه و وسائط مالمیه است . بفرموده حضرت ولی امر الله " فیوضات الهیه را اسباب مادیه لازم و تأییدات غیبیه را وسائط و وسائل فعاله شرط و واجب " ناگفته پیداست که احتیاج به این " اسباب مادیه " و " وسائط و وسائل فعاله " با توسعه روز افزون امر الله در دنیا روز بروز بیشتر مشهور و محسوس است . تاسیس مشروعات بدیعه - تشکیل مدارس جدیده اعزام مهاجرین بنقاط لازمه - ابتیاع موقوفات وسیعه - ارتفاع محابد رفیمه - رسیدگی باحوال ضحفا و تامین راحت و آسایش فقرا و عجزا و بالاخره گرداندن چرخ های تشکیلات دائم التوسعه امر الهی در دنیا کل مستلزم مخارج باهضه ایست که از صندوق های خیریه بین المللی و ملی تامین میگردد .

شکی نیست که این صندوق های خیریه که جهت تامین این مخارج تاسیس گشته اند باید -

## آهنگ بدیع

توسط افراد اهل‌بها در سراسر دنیا تقویت و پشتیبانی شوند چه که تقدیم تبرعات و اهدای اعانات طبق نصوص الهی از وظائف مقدسه وجدانیه محسوب و مطابق نظامات بهائی از مواهب و افتخاراتی است که خاص مومنین بامر اعظم الهی میباشد . علی‌الخصوص افراد جامع‌بهای ایران که همواره در طول تاریخ پر افتخار امر با ایثار جان و مال شجره امر الله را ابیاری نموده اند امروز نیز از نظر شرکت در امور خیریه اعم از معنوی و ملی و بین‌المللی باید نمونه و سرمشق باشند .

مسئله تقدیم تبرعات گرچه ظاهراً يك امر مادی و مالی است ولی در حقیقت ریشه و اساس آن بريك فلسفه عمیق روحانی که عبارت از ایثار و انفاق است استوار میباشد . ایثار مال در سبیل حق که در این امر نازنین بصورت تقدیم اعانات معمول و متداول است نتیجه مستقیم ایمان و عرفان میباشد و عبارت دیگری از شئون و کمالات ایمان است که حضرت — مولی‌الوری جل‌ثنا به قیام به آنها را از علامات ایمان مقرر فرموده اند ( ۱ ) مطابق بیان مبارک حضرت ولی امر الله در یکی از توقیعات منیمه :

” . . . تقدیم تبرعات طریقه عملی و موثری است که بدانوسیله هر يك از مومنین میتواند پایه و کیفیت ایمان خود را سنجیده و عملاً میزان خلوص و علاقه خود را بامر الله ثابت نماید . . . ” ( ۲ ) بحسب عبارت ساده‌تر تقدیم تبرعات در حقیقت محك ایمان است و نماینده خلوص و علاقه با امر حضرت یزدان .

در تاریخ نهضت‌های روحانی داستانهای بسیار شیرین و دلپذیری از تظاهرات این محك ایمان بچشم می‌خورد شاید شما دوستان عزیز داستان پیرزن مؤمنی را که در زمان حضرت رسول برای شرکت در اعانه جهاد مقداری خرما که تنها مایملک او بود تقدیم نمود — شنیده‌اید و یا حکایت آنرا در ضمن یکی از مکاتیب حضرت عبدالبها زیارت کرده‌اید . هر يك از مومنین بحضرت رسول اکرم با اشاره آن حضرت چیزی تقدیم نمود یکی هزار شتر با بارگندم تقدیم کرد دیگری نصف مال خویش را اهدا نمود و سومی جمیع اموالش را انفاق کرد با وجود

---

( ۱ ) حضرت عبدالبها میفرمایند : ” در این دور مبارک که فخر اعصار و قرون است ایمان عبارت از اقرار بوحدانیت الهیه نه بلکه قیام بجمیع شئون و کمالات ایمانست ”

( ۲ ) مجموعه نظامات بهائی صفحه ۱۵ ( ترجمه )

## آهنسنگ بسدیع

این حضرت دستور فرمودند که آن خرمای جزئی را بالای جمیع اعانات دیگر بنهند .  
در تاریخ امر بهائی نیز داستان های شورانگیز از این قبیل زیاد داریم از جمله حکایت آن خانم انگلیسی است که وقتی برای ساختمان مشرق الانکار امریک اعانه جمع میشد چون از مال دنیا چیزی نداشت گیسوی لطیف و ظریف وزیباى خود را که مورد نهایت علاقه او بود بمقراسپرد و تقدیم کرد تا فروخته شود و قیمت آن برای مشرق الانکار داده شود .  
لیدی بلومفیلد ( ستاره خانم ) در کتاب خاطرات خویش داستان دیگری را ذکر میکند که شاید مناسب این مقام باشد : ستاره خانم می نویسد که یکروز بر سر میز ناهار در محضر حضرت عبدالبهاء جالس بودیم که یکی از احبای ایران که از طریق عشق آباد آمده بود وارد و دستمال بچه مانندی تقدیم محضر مبارک نمود وقتی همیکل مبارک حضرت مولی الوری آنها باز نمودند باگمال تعجب دیدیم محتوی یک قطعه نان خشک و یک سیب گهنه و پروکیده بود مسافر تازه وارد توضیح داد که وقتی من می خواستم سفر خود را آغاز کنم کارگر بهائی فقیری نزد من آمد و گفت : " شنیدم شما به حضور مولای محبوب میروید من چیزی ندارم که تقدیم آستان مولای محبوب خود کنم مگر این تکه نان سیاه و سیب که شام من است رجا دارم آنها همراه عبودیت و اخلاص من بمحضر مبارک تقدیم نمائی " بعد ستاره خانم اضافه میکند که حضرت عبد البهاء آن دستمال محقر را بصورت سفره گسترده و بدون اینکه بخدای مخصوص آماده شده التفاتی نمایند قسمتی از آنها تناول و قطعاتی از آنها نیز بحاضرین عنایت کرده فرمودند بامن در خوردن این هدیه که نشانه یک عشق ساده و خالص است شرکت نمائید این حکایات در عین حالیکه شیرین و دلچسب هستند آموزنده نیز میباشند و مبین ایمن حقیقت اساسی است که ایثار مال در راه حق و تقدیم تبرعات در سبیل اجرای نوایای الهیه بیش از آنچه که اساس صوری داشته باشد بر فلسفه معنوی استوار است و گرچه بصورت مادی تظاهر میکند ریشه های عمیق روحانی دارد .

این نکته نیز شایان توجه است که شرکت در امور خیریه نه فقط موجب پیشرفت و توسعه امور عام المنفعه میشود نه تنها باعث تحقق و ترویج نوایای مقدسه الهیه در عالمگان میگردد بلکه جالب تاییدات الهیه و موجد خیر و برکت برای خود اعانه کننده نیز هست .

حضرت بهاء الله جل اسموا لعلی در مقامی می فرمایند :  
" امروز بایستی مفتوح است اوسع از سموات و ارض و لحاظ فضل مقصود عالمان متوجه کل عمل

## آهنگ بدیع

بسیار بجزئی در مراتب علم الهی اگر از جمل مشاهده میشود يك قطره آب اگر در سبیلش داده شود در آن مراتب دریا دیده میشود " حضرت عبدالبهاء میفرمایند : " هر نفسی که معاونت شرکت خیریه نماید در جمیع مراتب تأیید و توفیق الهی شامل گردد " حضرت ولی امرالله می فرمایند : " هر نفسی بقدر استطاعت خویش اعانه باین صندوق خیریه نماید . . . اجرش عنداللهعظیم است " و در مقام دیگر میفرمایند " ما باید بمثابة منبع و چشمه ای باشیم که مدام فیضان و فوران نموده و از مخزن غیب مستمرا کسب فیض مینماید . سرزندگانی و واقعی در این است که از برای ترفیه حال ممنوع خویش مستمرا بذل وجود و احسان نمائیم و بفضیلات لایبیه منبع خیر و غنا متکی باشیم بدون اینکه از فقر و مسکنت بیم و هراسی بخود راه دهیم " ( ۱ ) شرکت در اعانات در جامعه بهائی از هر جهت آزاد و اختیاری است و کاملاً بدلیب خاطر و از روی میل و علاقه فردی انجام میگردد ولی این آزاد بودن و - اختیاری بودن آن نباید موجب شود که اهمیت عمومیت آنرا نادیده بگیریم و از خاطر ببریم در این مورد آنچه که در درجه اول اهمیت است نفس شرکت در تبرعات میباشد و مقدار - اعانه ای که داده میشود در درجه دوم اهمیت قرار دارد . تقدیم اعانه بصندوق خیریه همانطور که گفته شد " محك ایمان " و از اصول اساسی حیات بهائی و نشانه اتحاد و اتفاق و تعاون و تضاد در جامعه پیروان امر الهی است و هر کس از زن و مرد و پیرو جوان باید بقدر وسع و استطاعت خود در آن شرکت نماید .

مادر هر رتبه و شانی که هستیم در خانواده خود بودجه ای برای عوائد و مخارج خود داریم در بعضی عاقله ها شاید رقم تبرعات در ردیف اول قرار گرفته باشد در برخی خانواده ها هم احیاناً این رقم آخرین رقم میباشد بعید نیست در معدودی از فامیل ما هم این رقم در بودجه کل از قلم بیفتد و بدان توجهی نشود . ما منسوب بهریک از این سه گروه که باشیم باز محتاج تذکر و تنبیه هستیم اگر از گروه آخر باشیم باید بدانیم که با عدم شرکت در اعانات خود را از افتخار عظیمی محروم و از مشارکت در مشروعات مهمه ای که ارکان مدنیت لاشرقیه و لاغربیه الهیه هستند بی بهره ساخته ایم و اگر از دسته اول و ثانی هستیم باید توجه بدین نکته دقیقه نمائیم که پس از شرکت در این امر مبرور شرط اساسی و مهم مستمرا ر

در آن میاشد .

ما همچنانکه میل داریم از آخرین وسائل زندگی بر خوردار باشیم . همانطور که دوست داریم اطفال خود را در بهترین مدارس تربیت نمائیم و بالاخره همان قسم که سعی میکنیم با بذل درهم و دینار از کلیه مواهب و لذات حیات استفاده نمائیم باید همانگونه هم با توجه به بیان مبارك حضرت بهاء الله که میفرمایند "عالم بین باشید نه خود بین" اندکی هم بمصالح جامعه بیاندیشیم و قسمتی هم از اموال فانیه خود را در امور خیریه و تحقق وعود - حضرت رب البریه که الی الابد آثارشان مخلص و جاویدان خواهد بود صرف نمائیم تا هم بوظیفه مقدسه روحانیه خود قیام کرده و هم به توسعه و پیشرفت اهداف عالیه جامعه و تهیئه موجبات خیر و برکت برای خود و خاندان خود اقدام کرده باشیم . در غیر اینصورت بسا ید بدانیم که "در ثروت خوف مستور و خطر مکنون" .

حضرت ولی امر الله در یکی از توقیعات منیحه خطاب با حبابی امریکه چنین میفرمایند :

"... بنا برین بر هر یک از افراد بهائیان امریکه خصوصا نفوس ثروتمند و مستقل و علاقمند باسایش و کسانی که پای بند علائق مادی هستند لازم و ضروری است که قدم در میدان خدمت گذاشته اموال و اوقات و حتی حیات خویش را در سیل این امر اعظام که درك جلال و عظمت آن برای اعدی ممکن نبوده و نیست مصروف و بدون درنگ و تأمل هر یک بر حسب استعداد و توانائی سهم خود را در میدان خدمت و فداکاری ادا نمایند مبادا بختنة بلایا و حوادث ناگهانی قسمت اعظم حطام دنیوی را که گرد آورده اند از چنگ آنان بر باید" (ترجمه)

گرنه این بیانات مبارکه خطاب با حبابی امریکا صادر شده ولی در حقیقت مغایب آنها کلیه پیروان امر اعظم الهی در عالم و بصیارت دیگر هرینده مؤمن است که بهتمالی و تقدم جامعه عزیز بهائی علاقمند و مشتاق میاشد .

\* \* \* \*

\* \* \* \*

\* \* \* \*

\* \* \* \*

\* \* \* \*



# قلعه شیخ طبرسی

نیز دارای دو مدخل است که یکی قریه دزوا و دیگری را قریه "چفته کلا" (بالا دزوا) - گویند .

قریه دزوا و چفته کلا از سمت شمال بقریه افرا و مزار شیخ طبرسی از سمت جنوب به جلگه بازی محدود است که پس از طی یک نایلمتر به تپه های فاکی مرتفعی متصل میشود که در قتل این -

تپه ها از دو جاده های راه آهین و شوسسه مازندران که از شاهای بطهران و با بالعکس

می رود مشهور است این تپه ها چنانچه در نقشه ضمیمه ملاحظه میشود از سمت غرب دماغه دارد که بسمت شمال جلو رفته و ببقعه شیخ

طبرسی که بیش از هزار و سیصد - ۱۳۰۰ -

متر فاصله ندارد نزدیک است و از بالای تپه مزبور محوطه صحن و بقعه بتوسی مشهور و سنگری

که برای توپخانه دولتی ساخته بودند نمایان

است ولی دماغه شرقی تپه نسبت بمزار شیخ طبرسی فاصله اش زیاد و در حدود دو کیلومتر و نیم میباشد

و دماغه آن بشرق ممتد گشته و بسمت رودخانه طالار می رود .

قریه دزوا در دامنه دماغه شرقی تپه و چفته کلا

در دامنه دماغه غربی تپه واقع است این دو قریه

بین شهر بار فروش (بابل فعلی) و قریه علی آبا (شهر شاهای فعلی) در وسط جنگل و قریه است که یکی را افسرا و دیگری را شیخ کلسی گویند و در سامان این دو قریه مقبره شیخ احمد بن ابیطالب طبرسی که یکی از علمای اسلام است واقع و حوادث بسیار مهم تاریخی در آن و اطراف آن رخ داده که ما مشتصری از وضعیت جغرافیای آن محل و حوادثی که واقع شده بنظر دوستان الهی میرسانیم .

مقبره شیخ طبرسی که واقع شده بین قرا افرا و شیخ کلی در سابق از توابع بار فروش ولی فعلا جزو شهر شاهای است که در حدود تقریبی ۸

کیلومتر بیشتر تا شهر فاصله نیست - از شرقی راهی است بشاهای و از شمال بطول تقریب ۱۲

الی ۴ کیلومتر راهی دارد به بابل و از جنوب غربی در حدود سی کیلومتر راهی است به

آمل و از جنوب نیز راهی دارد که بشیرگاه - (صالح سوادکوه) می رود .

شرق مزار شیخ طبرسی بفاصله / ۸۵۰ متر قریه افرا واقع و در شمال غربی آن نیز قریه شیخ

کلی قرار گرفته و در جنوب آن بفاصله دو کیلو متر و نیم ( ۲/۵ ) قریه "دزوا" که این قریه

## آهنك بدیع

دفن مینمایند — مزار شیخ احمد طبرسی هم بهمین نحو بوده و اهالی قرا اطراف مردگان خود را از لحاظ متبرک بودن محل بدانجا نقل و دفن مینمودند و اکنون هم بهمین منوال معمول است و ضمناً در محوطه هرامامزاده‌ئی بطور کلی درختان آزاد که طول عمرشان زیاد و قطع کردن آن را گناه میدانند کاشته شده بهمین مناسبت این درختان بسیار تنومند و قدور و مرتفع میشوند مزار شیخ طبرسی نیز قبلاً دارای درختان آزاد بوده که اکنون چند عدد بیشتر نیست در اراضی اطراف مزار شیخ طبرسی تا قریه دزوا و چفته‌کلا و همچنین تا افراوشیخ کلی در سابق بطور کلی مستور از درختان جنگلی بوده فقط مقداری اراضی باز وجود داشت که دهاقین در آن بکشت و زرع مشغول ولی اکنون بواسطه ترقی برنج و پنبه و چوب الوار مخصوصاً در ۴۰ ساله اخیر همه را مردم از بین برده و بزمین زراعتی تبدیل نمودند. خلاصه امروز از آن جنگل و درختان عظیم اثری نیست .

با روشن شدن مطلب باصل موضوع که تاریخ امر در قلعه مبارکه شیخ طبرسی است بر میگردیم :

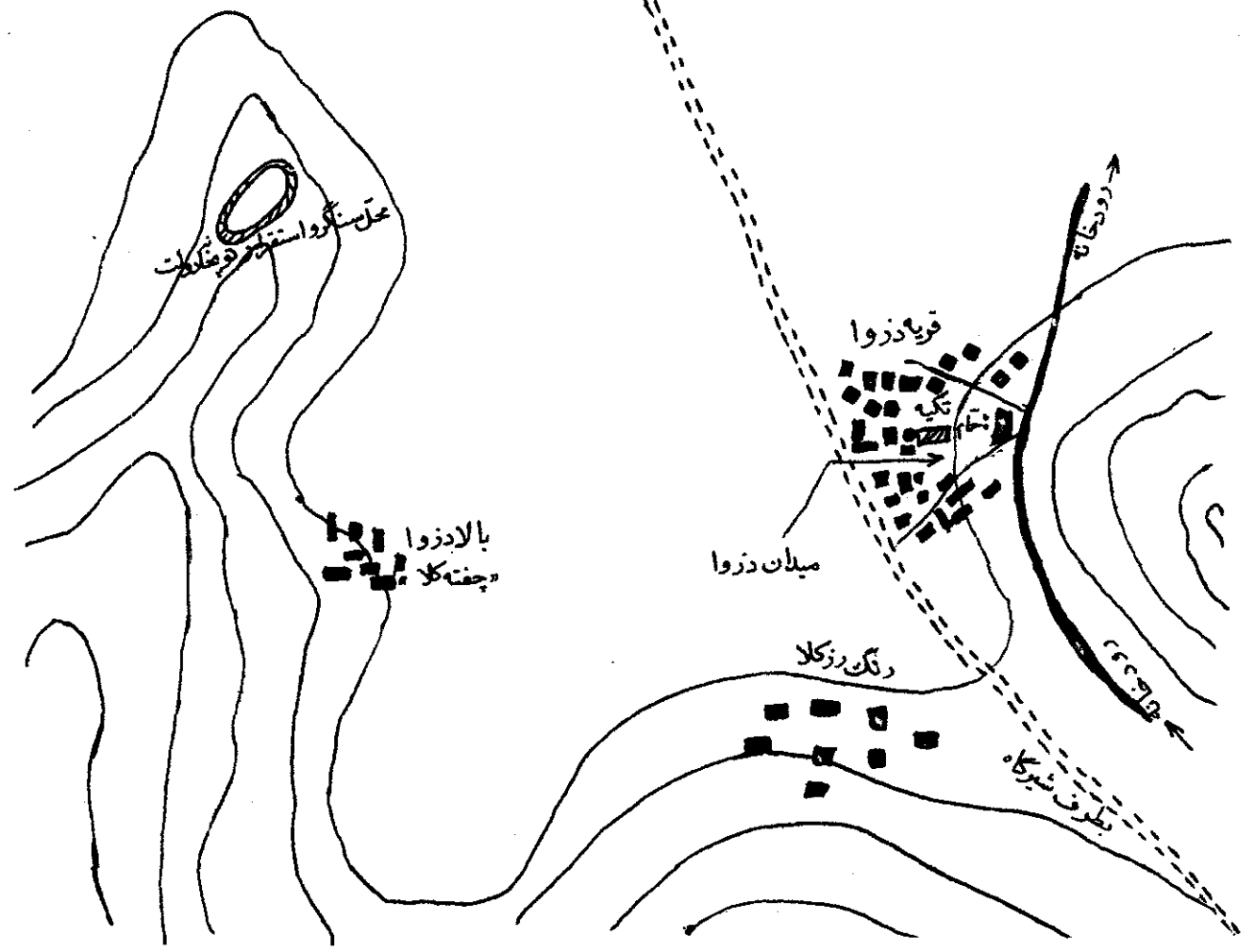
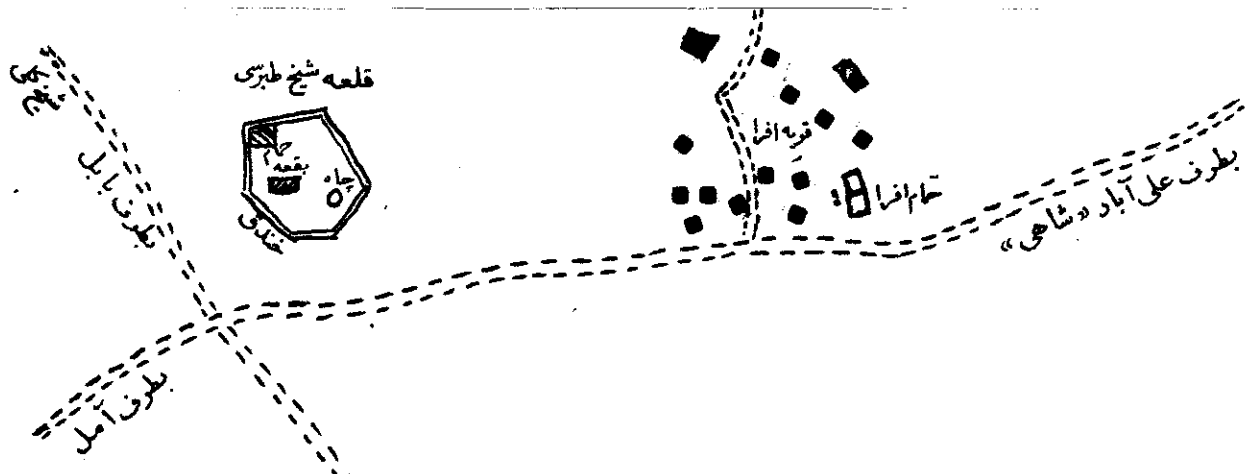
بعد از گشته شدن خسرو قادی کلائی ( ۱ )

( ۱ ) در تاریخ ذکری از محل آن نیست ولی اینقسم که بنده تحقیق نموده‌ام در جنگل شیخ کلی بوده

واراضی بین آنها بعد از جنگ واسکس مخصوصاً در ۵ ماهه آخر ایام جنگ بین اصحاب و نیروهای دولتی در اول اردوی مهینقلی میرزا (عموی ناصرالدینشاه) بوده است .

قریه دزوا بسیار محل بزرگ و آباد و پسر جمعیت و دارای میدان وسیع و حمام قدیمی و تکیه و یکی دو باب دکان ولی چفته کلاقریه کوچکی است .

خوانندگان محترم باید توجه فرمایند که مزار شیخ طبرسی قبلاً قلعه مستحکم نبوده که اصحاب در آن بدفاع پرداخته باشند بلکه بطور عموم در دهات مازندران مرسوم است که اگر امامزاده‌ئی (بقول خودشان معصومزاده) در ملکی مدفون باشد اهالی چند هزار متر زمین بآن امامزاده اختصاص داده که بقمه آن در وسط زمین قرار گیرد و سپس چهار دور آن را خندقی بحمق ۱/۵ متر و عرض ۱ متر حفر و خاک آن را آنطرف خندق که در محوطه داخلی بوده باشد ریخته و روی خاکریز خندقی را با چوبهای جنگلی چیر ( دیوار ) نموده که حیوانات از قبیل گاو — خر — اسب و — گوسفند بخصوص شوك که آن را نجس و حرامی گویند وارد مزار امامزاده نشده و سبب بی احترامی بان مکان متبرک نگردد و ضمناً اموات خود را از دهات اطراف بدانجا نقل و در محوله ببلو — عقب و جوانب معصومزاده



## آهن‌گ بدیع

خواهند نمود بدین مناسبت صلاح دانستند که مزار شیخ طبرسی را بقلمه مستحکمی تبدیل نمایند و میرزا محمد باقر هراتی ( صاحب بیت بابیه مشهد ) مأمور اینکار گردید و روز دوم که اصحاب مشغول ساختن دیوار بودند قادیلائیها از سمت افرا حمله کرده که شاید اصحاب را از محل تعصن خارج و بداخل جنگل بکشند . جناب بابالباب دفع حمله آنان را بعهده میرزا محمد تقی جوینی معول و ایشانهم بایکمه اصحاب آنها را شکست دادند .

داخل قلمه میرزا محمد باقر هراتی دیوار کهنه کوتاه قدیمی را خراب و در فضای وسیعتری دیوار قطور ۶ ضلعی دور مزار ساخته و در ۶ گوشه آن شش برج برای دیده بانی و دفاع تهیه نمودند که ما امروز آنجا را قلمه شیخ طبرسی گوئیم .

در ایوان جوانب بقعه شیخ طبرسی حجرات متعددی برای سکونت اصحاب ساخته شد و برای این قلمه دو دروازه یکی شرقی که بنام دروازه شیراز ( ۳ ) موسوم و محافظ آن میرزا محمد باقر هراتی وعده از اصحاب بودند و دیگری غربی بنام دروازه مازندران کسه مأمور محافظت از آن آقا رسول بهنمیری و

بدست میرزا محمد تقی جوینی ( سبزواری ) ( ۱ )  
و میرزا لطفعلی شیرازی ( ۲ ) در روز ۱۳ ذیقعد ۱۲۶۴ اصحاب سواران او را -  
تحقیق وعده ئی را گشته وعده ئی هم فرار نمودند و چون غروب شده بود در همان جنگل با استراحت پرداخته و در صدد محلی بودند که از فردا بتوانند مقیم شوند و این قسم که معلوم است نظر خان مالک افرا آنان را بعزاز شیخ طبرسی راهنمائی و جناب بابالباب و اصحاب در طلوع صبح روز ۱۴ ذیقعد ۱۲۶۴ بمزار شیخ مزبور ورود و اطراق فرمودند .

خلاصه پس از گشته شدن خسرو قادیلائی ایل قادیلا و مردم دهات اطراف علی آباد اسلحه گرفته و هر روز با طرف مزار شیخ طبرسی میآمدند که شاید بتوانند بیک ترتیبی اصحاب را از محل مزبور ( که محل تعصن بوده ) بیرون کرده و در وسط جنگل بقتل رسانند و حضرت بابالباب نیز بخوبی آگاه بودند که دامنه این فتنه بالا گرفته و سعید العلماء و سایر علمای بار فروش ساکت ننشسته و مرتب این آتش را دامن میزنند بقسمی که ایلات مازندران مخصوصا قادیلائیها را که خونی هم شده اند و ادار بهجوم و حمله بر اصحاب

( ۱ ) تاریخ نبیل ( ۲ ) مقاله سیاح ( ۳ ) دروازه شرقی فعلا باقی ولی غربی خراب و اثری از آن باقی نیست

اصحاب مازندرانی بودند .

پس از اتمام دیوار حضرت بهاء الله باتفاق شیخ ابوتراب اشتهاردی از سمت علی آباد (شاهی فعلی) بقریه افرا بمنزل نظر خان که سوابق اشنائی با او داشتند وارد و شیخ ابوتراب را بقلعه مبارکه اعزام و ورود خودشان را بجناب باب الباب اطلاع دادند و عصری باتفاق شیخ ابوتراب و نظر خان بقلعه تشریف بردند و پس از ملاقات باب الباب و اصحاب و بازدید قلعه دستور استخلاص حضرت قدوس که در ساری در خانه میرزا محمد تقی ستون کن محبوس بودند صادر و نیز سفارش تهیه آذوقه را داده و بسمت بار فروش عزیمت فرمودند .

خلاصه همانطور که جناب باب الباب تصور مینمودند علمای بار فروش مردم را بر ضد اصحاب تحریک و مکاتبات زیادی بطهران و مازندران نموده و طوری موضوع را جلو دادند که دولت را وادار بمداخله نظامی نمودند . اصحاب مدت ۹ ماه در قلعه شیخ طبرسی بودند که ۴ ماهه اول بعلت اینکه دولت بتدارك قشون اشتغال داشت چندان فشار و سختی نبود ولی در ۵ ماهه آخر که قشون تدارك شد به نزدیکی قلعه آمدند که برای اصحاب بی نهایت سخت گشت و از هر طرف قلعه را محاصره کردند

جنگهای شدید و شبیغون های پی در پی اصحاب در ۵ ماهه اخیر بوده است . باری چنانچه در متون تواریخ ذکر است استخلاص حضرت قدوس وسیله ملامهدی خوئی و ۶ نفر اصحاب فراهم و حضرتش بقلعه شیخ طبرسی وارد و فرماندهی این جنس الهی را عهده دار و جناب باب الباب نیز مانند سر بازی کمر بخدمت بسته و منتظر فرمان آنحضرت گشتند . مقارن این احوال در طهران حاجی مصطفی خان ترکمن که از سران سپاه بود از محضر شاه استدعا نمود که اجازه دهند فرمانی بنام برادرم — عبد الله خان ترکمن صادر و برود این چند نفر آخوند و ملا را از مزار طبرسی خارج و آتش این فتنه را خاموش سازد لهذا — استدعای او مورد قبول و فرمانی بنام — عبد الله خان صادر و ارسال گشت و او هم با ۱۲ هزار نفر از ایلات اصائلو وافغان و کرد مازندران فراهم و بقریه افرا آمده اردو زده و قلعه را محاصره نمود روز ۵ محرم ۱۲۶۵ حضرت قدوس و جناب باب الباب و سایر اصحاب که اغلبشان بجای اسلحه چوب دستی داشتند حملات شدیدی بر سپاه عبد الله خان نمودند و جنگ سختی در گرفت که دشمن شکست فاحشی خورد پس از این موفقیت چون ممکن بود سپاه

## آهن‌گ بدیع

بقریه واسکس شبی چون زدند که اردو متفرق  
و مهدیقلی میرزا با پیراهن و زیرشلواری و  
پای برهنه فرار می‌کردند در آن جنگ و ستیز گلوله  
بدهان و دندانهای مبارک حضرت قدوس -  
اصابت و مدت ۱/۵ ماه غذایشان فقط شیر  
و فرنی بود .

پس از جنگ واسکس چون مشاهده فرمودند  
که اصحاب مدتیست استعمال نفرموده اند  
لذا در گوشه شمال غربی قلعه بفاصله ۴  
قدم از بقعه شیخ طبرسی دستور ساختن  
حمام و چاه آبی را دادند که ساخته شد  
فعلا آثار خرابه و گودی خزینه آن در قلعه  
باقی است و پس از آماده شدن حمام جمله  
اصحاب استحمام نمودند و خود را پاک  
و نظیف فرمودند .

مهدیقلی میرزا پس از شکست در واسکس  
و فرار از اردو بسیاری رفته و در صدر تدارک  
اسلحه و جمع آوری قشون و توپخانه برآمد  
و بعد از یکماه و چند روز مجدداً تدارک  
کافی و قشون زیاد بسمت قلعه حرکت و در  
اراضی بین دزوا و چفته کلا اردو زد .

### شهادت جناب باب‌الباب

باری همینکه ساختمان حمام و چاه با تمام  
رسید جناب باب‌الباب (با مر حضرت قدوس)  
روز ۸ ربیع الاول ۱۲۶۵ اصحاب را دور

خان مقتول مجدداً تهیه و تدارک دیده  
و بعمله اقدام نمایند لذا حضرت قدوس -  
دستور حفر خندق را دادند و اصحاب نیز  
خندقی بعمق و عرض ۳ متر حفر و خاک آنرا  
در داخل قلعه پشت دیوار ریختند و این  
برای آن بود که اصحاب بتوانند در داخل -  
قلعه از روی خاکریز پشت دیوار آمده و تیر  
اندازی کنند .

خلاصه پس از این فتحی که نصیب اصحاب  
و شکستی که بعبداله خان ترکمن وارد شد  
ناصرالدین‌شاه برآشفته ببران آن را از  
مهدیقلی میرزا که تازه بحکومت مازندران  
منصوب گشته بود خواست او نیز تهیه و -  
تدارک مفصلی دیده با اردو و توپخانه و  
ذخایر کافی از طهران حرکت ابتدا در  
شیرگاه اردو زده و پس از چند روزی که زمینه  
را آماده نموده به واسکس (۱) که محل  
امن و پناهی است رفته و اردو زد و مدتی را  
در آنجا متوقف که ایلات مازندران آماده  
شده و باو ملحق گردند و با انمال آسودگی  
و خیال راحت خود و سربازانش با استراحت  
پرداختند .

پ  
در این موقع حضرت قدوس و جناب باب‌الباب  
و دو بیست نفر از اصحاب که جمعا ۲۰۲ نفر  
بودند بعد "رب" در شب سرد پتخ  
بندان زمستان مقارن روز ۲۵ صرم ۱۲۶۵

(۱) سه الی ۴ کیلومتری جنوب غربی شاهی

## آهنگ بدیع

خود جمع کرده و فرمودند هرکس میل بشهادت دارد امشب با من آماده حرکت باشد .

آقامیرزا ابوطالب شه میرزادی (بقیه السیف قلمه مبارکه) در تاریخ خود چنین مینویسد اصحاب بمجرد شنیدن این خبر شب را - بخواب نرفته و تا نصفه شب رسیم الاول

در مساکن و منازل خود دور هم جمع شده بسرور و شادی و کف زدن و خواندن سرود

قهقهه و خنده مشغول و بطوری حالت جذبه به همه ماها دست داده بود که دنیا و مافیها

را فراموش نموده بودیم و هر آن منتظر فرمان حرکت بودیم . خلاصه موقع انتظار بسرآمد

عده قلیلی را با حضرت قدوس در قلعه گذاشته و بقیه در محیت جناب باب الباب

بمیدان فدا و جانبازی شتافتیم و طوری در آن دل شب اصحاب عرصه را بر دشمن تنگ

نمودند که جمیع صاحب منصبان و سربازان سنگرهای خود را تخلیه نموده و فراری و به

تپه ها متواری گشتند در آن شب عده زیادی از اصحاب تیر خورده و عدهئی هم مقتول

گشتند . جناب باب الباب در این محاربه تیرکاری

شورده بودند و چون من نزدیک بودم فرمودند مرا بگیر متاسفانه دست راستم تیر خورده

بود و قادر بر حرکت نبود با دست چپ بسختی ایشانرا از اسب پائین آوردم و بعد

دو نفر از اصحاب خراسانی ایشانرا بدوش گرفته و بقلعه بردند و آنهایی که تیر خورده و یا نخورده بودیم نزدیک سفیده صبح بقلعه رجوع نمودیم "

حضرت قدوس جسد مطهر حضرت باب الباب را در روز نهم ربیع الاول ۱۲۶۵ در زیر بقعه

شیخ طبرسی دفن و دستور سترا نرا با صاحبیکه مشاهده نموده بودند دادند . وعده دیگری

هم که در جنگهای بعدی کشته شدند در پشت دیوار بقعه دفن گشته اند .

قراء " دزوا " و " پیفته کلا " نیز از لحاظ تاریخ امر و متبرک بودن آن اهمیتش از قلعه شیخ -

طبرسی کمتر نیست زیرا که :

۱- اراضی شمالی این دوقریه صحنه کارزار اصحاب قلعه با اردوی دولتی بوده و آن

راضی بخون عده زیادی از شهدای امر رنگین شده است .

۲- حضرت قدوس و ۲۱۷ نفر از اصحاب پس از آنکه قلعه را ترک و تخلیه فرمود و

بازدوی دولتی تسلیم گشتند آنها را بمیدان وسط قریه دزوا آورده و مسکن دادند

و این میدان در آنزمان وسعتش بیش از وسعت فعلی بوده و معلی است که روز بعد قریب

۱۵۰ نفر از اصحابرا پس از آنکه به نیرنگ خلع سلاح نمودند سر غذا تیرباران و اجساد

مطهره آنان را با نیزه و شمشیر سوراخ سوراخ بقیه را در صفحه ۱۷۳ ملاحظه فرمائید

## توضیح درباره مخاطب لوح مریم

در صفحه ۹۷ شماره ۳ سال جاری آهنگ بدیع بنقل از "رحیق مختوم" شرحی درباره مخاطب لوح مریم درج شده است. اینک با توضیحاتی که از جناب محمد علی ملک خسروی واصل و مورد تایید محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شید الله ارکانه واقع گردیده مطالب مندرجه بشرح ذیل تصحیح میگردد. بدینوسیله از جناب محمد علی ملک خسروی تشکر نموده از خوانندگان محترم متمنی است این ورقه را روی صفحه ۹۷ شماره ۳ الحاق و توضیح مندرجه در صفحه ۹۸۹ کتاب رحیق مختوم را نیز بنحویذیل تصحیح فرمایند.

"مریم زوجه میرزا رضاقلی برادر جمال مبارک و خواهر مهد علیا حرم حضرت بهاء الله است. مشارالیهایی نهایت مورد عنایت جمال قدم بوده و الواحی بنام او از قلم مبارک نازل شده است.

لقب "مریم" در الواح مبارکه "ورقة الحمراء" است و مشارالیه دختر عمه جمال قدم بوده و برادر مریم میرزا محمد وزیر خواهرزاده جمال مبارک مسماه به "خوا" را در حباله نکاح داشته. بعد از صعود میرزا محمد وزیر کلمات عالیات باعزاز "مریم" و "خوا" برای تسلی خاطرشان از قلم مبارک نازل شده است. . . .

الواح دیگر نیز باعزاز مریم نازل شده از جمله لوح معروف به لوح مریم است که عنوانش اینست "هوالمحزون فی حزنی ای مریم مظلومیتم مظلومیت اسم اولم را از لوح امکان محو نمود. . ." و لوح دیگر نیز عنوانش اینست: "هو مریم عیسی جان بلا مکان عروج نمود"

( این لوح مبارک زینت بخش صدر این شماره گردیده است ) زیارتنامه ای نیز از قلم مبارک باعزاز مشارالیه نازل شده است.





# کتاب مفاوضات «۲»

شرحی که در شماره گذشته و این شماره تحت عنوان کتاب مفاوضات منتشر میشود مقاله ایست که جناب منوچهر شعاعی از جوانان عزیز روحانی اهواز در جواب مسابقه مجله ملی جوانان در سال گذشته تنظیم و ارسال نموده به تشخیص لجنه محترمه مذکوره برنده اول شناخته شده بدریافت جایزه نائل گردیده اند .

قسم سوم مقالات در

علامات و کمالات مظاهر الهیه

در این باب صحبت از علامات انبیاست و

سخن از کمالات پیامبران خدا :

مقاله اول - کلیه ارواح پنج قسم است .

در این مقاله روح نباتی ، حیوانی ، انسانی ،

آسمانی و بالاخره روح القدس را در لباس

تمثیل و تشبیه بیان و تشریح فرموده اند . از

آنجمله میفرمایند قوله الاحلی " روح القدس

واسطه بین حق و خلق است مثل آئینه است

مقابل آفتاب . . . . "

مقاله ۲ - در اینکه الوهیت فقط بتوسط -

مظاهر الهیه شناخته میشود .

در این مقاله مظاهر الهیه را مرایای مقدسه ای

میشمارند که انوار فیوضات و کمالات خداوندی

را از عالم حق بر خلق میبخشند و میفرمایند

" هر چه اوصاف و نعمت و اسما و صفات ذکر

نمائیم کل راجع به مظاهر الهیه است "

مقاله ۳ - کلیه مراتب مظاهر ظهور سه رتبه

است .

سه رتبه مزبور چنین بیان شده : " یکی مقام

بشریه است و مقام نفس ناطقه و مقام ظهور

ربانی و جلوه رحمانی "

در این مقاله مقامات ثلاثه فوق تشریح گشته

است .

مقاله ۴ - در بیان کیفیت علمی که مظاهر

ظهور دارا هستند .

" مظاهر کلیه الهیه مطلع بر حقایق اسرار

کائناتند . . . علم آنان علم الهی است

نه اکتسابی یعنی فیض قدسی است و انکشاف

## آهنگ بدیع

رحمانی "

مقاله ۵- ادوار کلیه .

دور مدتی است که در آن احکام و شریعت  
مظاهر ظهور الهی جاری است .

چون چند دور با تمام رسد یک دور کلی در عالم  
پایان می یابد و دور کلی جدید آغاز میشود

مقاله ۶- درجه نفوذ و تاثیر مظاهر الهیه .

میفرمایند قوله عزبیا نه " در ظهور هر یک از

مظاهر الهیه در عالم عقول و افکار و ارواح ترقی

عجیبی حاصل شود "

باین ترتیب درجه نفوذ و تاثیر انبیاء را در

عالم خلق مشخص فرموده اند .

مقاله ۷- کلیه انبیا بر چند قسمند ؟

بر مقاله هفتم اینچنین خلعت آغاز پوشانید ه اند

" کلیه انبیا بر دو قسمند قسمی نبی بالاستقلال

و مقبوعند و قسمی دیگر غیر مستقل و تابع "

سپس بتشریح این مطلب پرداخته اند .

مقاله ۸- بوز هو کونفیوش چگونه بوده اند ؟

در این مقاله پس از آنکه میفرمایند : " بوز هو

نیز تاسیس دین جدید و کونفیوش تجدید

سلوک و اخلاق قدیم نمود . "

چگونگی تشییرو انحراف ملت بود او کونفوسیوس

را با مقایسه با پیدایش بدعتها در سایر

ادیان و غفلت پیروان آنها بیان فرموده اند .

مقاله ۹- در کتب مقدسه بعضی خطابه های

زمریه که از روی عتاب بانبیاست آیا مخاطب

کیست و آن عتاب بر کس واقع ؟

ابتدای این مقاله بازگویی مطالب آنست :

" در خطاب الهی که از روی عتابست و لـ

بظاهر بانبیاست ولی بحقیقت آن خطاب

توجه بامت دارد و حکمتش محض شفقت

است . . . . "

مقاله ۱۰- در بیان این جمله از کتاب اقدس

" لیس لمطلع الامر شریک فی العصمة الکبری "

" عصمت برد و قسم است عصمت ذاتیه و عصمت

صفاتیه . . . . عصمت ذاتیه مختص بمظهر

کلی است . هیأت بیت العدل در تحت

حمایت و عصمت حق است این عصمت را موهوب

نامند "

معرفی مقاله در همرازی کرنکات مهمه فوق کفایت

میکند .

قسم چهارم مقالات در مبداء و

ومعاد و قوی و حالات و کمالات مختلفه

### انسان

از دیرباز مرغ اندیشه آدمی در پی یافتن

جواب پرسشهای گوناگون پروبال زده است :

از کجا آمده ام و کجا میروم ؟ چه بودم چیستم و

چه خواهم شد ؟ کیست در خواب که می بیند و

میشنود و چیست که جذب عشقش کائنات را

اینچنین کشش و کوشش آموخته است ؟

از باب چهارم در سرگشته که باین گلشن زیبا

" مفروضات عبدالبهاء " مینگرد دل و جانش

آرام میگیرد و پرسشهای ابدی نوع انسان را

## آهنگ بدیع

انسان موجود است که حیوان از آن منروست  
مقاله ۴- مساله نشو وترقی کائنات .  
"سبقت حیوان بر انسان دلیل ترقی و  
تغییر و تبدیل نوع نه . . . . . تغییرهیات  
وترقی اعضا و نشو و نما مانع از اصالت نوع -  
نگردد ."

مقاله ۵- براهین الهیه در اصل ومبدأ -  
انسان .

"اگر انسان نباشد عالم وجود نتیجه ندارد  
چه که مقصد از وجود ظهور کمالات الهیه است  
لهذا نمیشود که بگوئیم که وقتی بوده که انسان  
نبوده . . . . ."

مقاله ۶- آیاروح وعقل در انسان حین -  
ولادت ظهور نموده اند ؟

"در بدایت تکوین نیز عقل و روح موجود بود  
ولسی مکنون بود بعد ظهور یافت زیرا در عالم  
رحم نیز در نطفه عقل و روح موجود است ولی  
مکتوم است بعد ظاهرا هر میشود ."

مقاله ۷- حکمت ظهور روح در جسد .  
"روح انسانی چون سیر در مراتب وجود  
کند و دارنده هر رتبه و مقام گردد حتی  
رتبه جسد البته اکتساب کمالات نماید . . . . .  
بهمچنین اگر کمالات روح در این عالم -  
ظاهر نشود این عالم عالم ظلمانی حیوانی  
محض شود . بظهور روح در هیكل جسمانی  
این عالم نورانی گردد ."

پاسخی از هر بهمت غالب و مناسب می یابد  
این قسم مشتمل بر ۳۰ مقاله است که چون  
عموما از امله و اصطلاحات حکما انباشته  
است در معرفی آنها . بزگلچین بعضی -  
کلمات تصریح زکرهاگونه مطلبی زاید بنظر  
میرسد .

مقاله اول - تغییر انواع .

این مسئله فی الحقیقه بدیهی البطلانست  
. . . . . اگر تصور زمانی کنیم که انسان در عالم  
حیوانی بوده یعنی حیوان محض بوده وجود  
ناقص بوده معنیش این است که انسانی  
نبود و این عضو اعظم که در هیكل عالم منزله  
مغزود ماغ است مفقود بوده است پس عالم  
ناقص معنی بوده است . . . . . زیرا انسان -  
عضو اعظم این عالم است .

مقاله ۲- عالم وجود بدایتی ندارد مبدأ  
انسان .

"این عالم وجود یعنی این کون نامتناهی  
بدایتی ندارد . . . . . در اصل ماده  
واحد است آن ماده واحد در هر عنصری  
بصورتی درآمده است لهذا صور متنوعه  
پیدا شده است ."

مقاله ۳- فرق طایب انسان و حیوان .  
اما الهیون گویند خیر چنین نیست هر چند  
انسان در قوی و حواس ظاهره مشترك  
با حیوانست ولی يك قوه غارق الماده در

## آهنگ بدیع

- مثاله ۸- تعلق حق بتعلق بپیه نحواست ؟  
 "قیام خلق بحق قیام صدور است یعنی . . ."  
 تعلق از حق صادر شده است نه ظاهر تعلق  
 صدور دارد نه تعلق نامهور .
- مثاله ۹- قیام ارواح بحق .  
 " ارواح انسانی بحق قیام صدور دارند  
 مثل اینکه نطق از ناطق و کتابت از کاتب ."
- مقاله ۱۰- فرق میان روح و عقل و نفس  
 " این دو اسم یعنی روح انسانی و نفس ناطقه  
 عنوان شئی واحد است و این روح که باصطلاح  
 حکما نفس ناطقه است محیط بر کائنات سائره  
 است . . . اما عقل قوه روح انسانی است  
 . . . عقل کمال روح است ."
- مقاله ۱۱- قوای جسمانی و قوای معنویه  
 " قوای ظاهره پنی است قوه مبصره و قوه سامعه  
 و قوه ذائقه و قوه شامه و قوه لامسه . قوای  
 باطنیه نیز پنی است قوه مشترکه قوه مخیله  
 قوه متفکره قوه مدرکه قوه حافظه "
- مقاله ۱۲- اخلاق متفاوتة نوع انسان .  
 " اخلاق فطری و اخلاق انتسابی و اخلاق -  
 ارشی . . . . اختلاف اخلاق فطری در -  
 انسان بتفاوت درجاتست همه خیر محض  
 است . . . تفاوت اخلاق ارشی این از قوت  
 و ضعف مزاج . . . همچنین طهارت خون  
 حکم کلی دارد . . . . اما تفاوت اخلاق  
 من حیث التریبه این بسیار عظیمست زیرا -
- تربیت بسیار حکم دارد ."  
 مقاله ۱۳- درجه ادراکات عالم انسانی .  
 " در عالم انسانی با اختلافات مراتب انسانی  
 ادراکات متنوع و متفاوت است . . . . . قوای -  
 معنویه عالم طبیعت قوای متجسسه است اما  
 قوه عاقله ملکوتیه که ماوراء طبیعت است محیط  
 بر اشیاست ."
- مقاله ۱۴- حد ادراک انسان نسبت بحق  
 " لهذا ادراک عبارت از ادراک و عرفان -  
 صفات الهی است نه حقیقت الهیه آن عرفان  
 صفات نیز بقدر استطاعت و قوه بشریه است -  
 کما هو حقه نیست ."
- مقاله ۱۶- بقای روح ( ۱۵-۱۶ )  
 " پس ما دام آثار وجود ظاهر دلیل بر اینست  
 که صاحب اثر موجودست . ملاحظه نمائید که  
 الان سلطنت مسیح موجود است پس چگونه  
 از سلطان معدوم سلطنت باین عظمت ظاهر  
 گردد ."
- مقاله ۱۷- مسأله که کمالات وجود غیر  
 متناهیست .  
 " لهذا هر حقیقت موجوده قابل ترقیست  
 و چون روح انسانی بعد از خلج این قالب  
 عنصری حیات جاودانی دارد البته شیئی  
 موجود قابل ترقیست ."
- مقاله ۱۸- و ۱۹- مسأله در خصوص ترقی  
 انسان در عالم دیگر - در بیان مقام انسان

مقاله ۲۴ - حیات ابدیه و دخول در ملکوت .  
 " از حیات ابدیه مقصد استفاضه از فیض روح  
 القدس است . . . . . اما داخل شدن در  
 ملکوت بصحبه الله است بانقطاع است بتقدیس  
 و تنزیه است بصدق و صفاست و استقامت و وفا  
 است بجانفشانیست ."  
 مقاله ۲۵ - سؤال از قضا .  
 " قضا و قسم است یکی محتوم است و دیگری  
 مشروط که معلق گفته میشود قضای محتوم آن  
 است که تغییر و تبدیلی ندارد و مشروط آن  
 است که ممکن الوقوع است ."  
 مقاله ۲۶ - تاثیر نجوم .  
 " بعضی از کواکب آسمان را برگه ارض و کائنات  
 ارضیه تاثیر جسمانی واضح و مشهود . . . . .  
 هر چند این کواکب را تاثیرات مصنوعیه در عالم  
 انسانی بنظر عجیب آید ولی چون در این  
 مساله تدقیق نمائی چند ان تعجب نفرمائی "  
 مقاله ۲۷ - مساله بپروا اختیار .  
 " اموری در تحت اختیار انسان است مثل  
 عدل و انصاف و ظلم و اعتساف . اما اموریست  
 که انسان بر آن مجبور و مجبور است مثل  
 خواب و ممات "  
 مقاله ۲۸ - الهام و کشفیات و رویا و تسخیر ارواح  
 " کشفیات روحانیه برد و قسم است يك قسم  
 رویای انبیاست و اکتشافات روحانیه اصفیا . .  
 و قسم دیگر از کشفیات روحانیه اوهام صرف -

و ترقیات او بعد از صعود .  
 " انسان در نهایت رتبه جسمانی است و بدایت  
 روحانیات یعنی نهایت نقص است و بدایت  
 کمال . . . . . و چون کمالات انسانی غیر  
 متناهی است پس بعد از صعود از این عالم  
 نیز ترقیات در کمالات تواند نمود ."  
 مقاله ۲۰ - در معنی آیه کتاب اقدس " انه  
 من اهل الضلال ولو یأتی بکل الاعمال ."  
 " از آیه مبارکه مقصد اینست که مجرد اعمال  
 خیریه بدون عرفان الهی سبب نجات ابدی  
 و فوز و فلاح سرمدی و دخول در ملکوت پروردگار  
 نگردد "  
 مقاله ۲۱ - بعد از خلع اجساد و صعود ارواح  
 نفس ناطقه بپنه قیام دارد ؟  
 " نفس ناطقه جوهر است و جسد قائم بآن  
 شخصیت نفس ناطقه از اصل است بواسطه  
 این جسد حاصل ننماید ."  
 مقاله ۲۲ - روح انسانی یعنی نفس ناطقه  
 بعد از صعود از این عالم فانی بچه وساطت  
 ترقی یابد ؟  
 " یا بصرف فضل و موهبت ربانی و یا بطلب  
 مغفرت و ادعیه خیریه سایر نفوس انسانی  
 و یا بسبب خیرات و مبرات عظیمه که بنام او  
 مجری گردد ."  
 مقاله ۲۳ - بقای ارواح اطفال .  
 این اطفال در ظل فضل پروردگارند ."

## آهنگ بدیع

را نامبرده اند .  
مقاله ۳- در ذکر عدل و رحمت حق .  
عدل و فضل الهی و محقول یا مشروع بودن  
حسن و قبح اشیا در این مقاله بیان شده  
است .  
مقاله ۴- مجرم مستحق عقوبت است یا عفو؟  
در پاسخ سؤال فوق عقوبات جزائیه را بدو قسم  
انتقام و قصاص تقسیم میفرمایند و هیئت -  
اجتماعیه را در قصاص ذیحق و برای بشر انتقام  
را مذموم و عفو و سماع را لازم می شمارند  
مقاله ۵- طایفه سوفسطائیه بر آنند که  
موجودات عبارت از اوهم است .  
این عبارت مبارک معرف مقاله پنجم است .  
" هر چند موجودات بالنسبه بوجود حق وجود  
ندارند بلکه مانند سراب و صور مرئی در مرآتند  
ولی در رتبه نبود وجود دارند ."  
مقاله ۶- اقسام قدیم و حادث .  
" قدیم بر دو قسم است قدیم ذاتی و قدیم -  
زمانی . . . . . حادث هم بر دو قسم است  
حدوث ذاتی و حدوث زمانی "  
که پس از تقسیم فوق هر یک را مشروحاً بیان  
فرموده اند .  
مقاله ۷- مساله تناسخ .  
درین مقاله شرح مبسوطی در معنی تناسخ اقسام  
تناسخیان بیان فرموده و عدم امکان تناسخ را  
با دلائل علمی و علمی اثبات فرموده اند .

است "  
مقاله ۲۹- شفا دادن بوساطت روحانیه .  
" بدانکه محالجهوشفا بدون دوا بر چهار قسم  
است . دو قسم را سبب مادیاتست و دو قسم  
دیگر را سبب روحانیات . . . . ."  
مقاله ۳۰- محالجهوشفا مادیه .  
" حال تعدیل این اجزاء که در جسم انسان  
است بدو اسباب حاصل شود یا بسبب ادویه  
یا بسبب اغذیه "

### قسم پنجم مقالات

#### در مواضع مختلفه

این قسم آخرین بابی است که میسبب بارسی  
بگلشن مصفاى مقاضات عبدالبهاء گشود ه  
است .  
در این باب زخمه قلم از این نغمه ها سخن  
میگوید :  
مقاله اول - در بیان آنکه در وجود شریست  
در این مقاله عتایق محسوسه و محقوله را  
خیر صحت و جمیع شرور را راجع باعدام -  
میخوانند .  
مقاله ۲- عذاب و قسم است .  
" عذاب بر دو قسم است عذاب لطیف و عذاب  
غلیظ " مقاله دوم با جمله مذکور آغاز شده  
و در آن نمونه عذاب لطیف جهل کذب و  
. . . . . و از عذاب غلیظ مجازات حبس " طرد "  
. . . . . و در نزد اهل الله احتجاج از حق

## آهنگ بدیع

و تعدیل ثروت یکی از آن امور یعنی شریک نمودن کارگردد در منافع کارخانه و نحوه اجزای آنرا با مثالی متذکر گشته اند .

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

کتاب مستطاب مفاوضات که باین ترتیب معرفی گردید بمبنای چاپ سال ۱۹۰۸ میلادی در هلاند شامل ۲۳۱ صفحه با فهرست مندرجات هر صفحه در ۲۵ سطر که خطوط بفاصله هر ه خط شماره گذاری شده و دارای یک مقدمه از میس کلیفورد باری به تاریخ ۱۶ ژانویه ۱۹۰۸ میباشد .

بدیهی است معرفی این کتاب مستطاب - شایسته تفکر و تحقیق بیشتر است . زیرا گاه مشاطه الهی آنچنان بآرایش عروس معانی پرداخته قلم را جز آنکه خاضعانه بر سجاده کاغذ بستایش زیبایی و جمالش پردازد و عاجزانه در ساختن روی به سجود آورد - چاره‌ای نخواهد بود .

... ای یاران مهربان وقت جانفشانیست و زمان خیرخواهی عموم انسانی به هدایت نفوس - بکشید - ه که موصیبتی اعظم او هدایت نه و عالم انسانی بدون این عنایت عالم درندگی و حیوانیست و در ظلمت ابدی ...  
( حضرت عبدالبهاء )

مقاله ۸- وحدت وجود . -  
"صوفیه میگویند حقایق اشیا ظهور واحد حقیقی است و انبیا میفرمایند صادر از واحد حقیقی است"

در این مقاله مساله وحدت وجود را که از دید باز بنزوعقاید اصلی بعضی از فلاسفه یونان بود و بعد ها در افکار صوفیه تجلی نمود و - تفاوت آنرا با عقیده حقیقی ادیان روشن فرموده مقاله ۹- موازین ادراک .

موازین اریحه ادراک را بنین مذکور داشته اند میزان حس میزان عقل میزان نقل و فیض و تاییدات روح القدس که میزان صحیح است مقاله ۱۰- در وجوب متابعت نمودن تعالیم مظاهر الهیه .

جملات ذیل خلاصه و مضمون بسیار کوتاهی از مطالب مقاله دهم است :  
اعمال غیریه و اخلاق مرضیه تا بزیبعت معرفت الله مزین نگردد کافی نخواهد بود زیرا عرفان الهی بر هر عرفان دیگری واز - آنجمله بر معرفت اشیا مقدم است .

مقاله ۱۱- مساله اعتصاب .  
دیانت مقدس بهائی در حل مساله اقتصاد علاوه بر اصل روحانیت محبت اتفاق و مواسات که در درجه اول اهمیت قرار دارد نکات لازم دیگری را نیز منظور داشته است .  
در مقاله یازدهم برای جلوگیری از اعتصاب



# اقاب حقیقت

عزیر الله مصباح

آن می که بستر دازد دل زنگ غم من و ما را  
صورت نمای جلی شد آئین صدق و صفارا  
در بحر نیستی آموخت تا رسم و راه شنا را  
خیاط کارگه صنع بر وی قمیص فنارا  
در هر دم شنود گوش کوسالست بها را  
ساقی نموده لبالب پیمانہ های بلا را  
کی وعظ و پند کند بند مجنون بیسرویا را  
باعشق پنجه نباشد بازوی عقل و نهی را  
بیند معاینه در درد بیمار دوست دوا را  
لکن مجال شکیم از هجر نیست نگا را  
زین باده جام دل و جان سرشار ساز خدا را  
تایابم از افق دل انوار صبح لقا را  
ممتاز غصن همایون شاه سریر و لا را  
از تو دریغ ندارد فیض سحاب سما را

ساقی بساغر جان ریز آن راج روح فزا را  
تا عکس روی تو پذیرفت آئینه دل عشاق  
دل ز آشنائی خویشم بیگانه گشت و عنان تا  
تشریف خاص بقایافت اندام روح چو پوشید  
جانی که مشعل دل را از نار سدره برافروخت  
ای مست باده دوشین اینک بدفع خمارت  
گویند سر ز سر بهل دریای شیر میفککن  
من از غرد نپذیرم دیگر فسانه و افسون  
صفرائی تب او را در سر هوای طرب نیست  
هر زهر غم که فرستی چون شهد ناب بنوشم  
مقصد زد نیی و عقبی جز وصل روی تو ام نیست  
ای افتاب حقیقت بر قلب پرتوی افکن  
مصباح روی تبتل بر آستانه همی سایی  
انکو بدست عنایت در باغ معرفت گشت





احتفال جوانان چاله-  
زمین (مازندران) در  
روزین المللی جوانان-  
سنه ۱۲۲ بدیع



لجنه جوانان بهائی تفت (یزد)



جوانان بهائی خورموج (فارس)  
در جشن روز جهانی جوانان -  
بهائی - ه فروردین ۱۳۴۴

## تاریخ نفوذ امریهائی در ژاپن

در هنلولو واقع در جزیره هاوایی يك خانواده بهائی امریکائی زندگانی مینمودند که ناظر غرچ و پیشکار آنها جوانی بود ژاپونی بنام ( مستر کاواچی یا ماموتو ) این جوان اصیل و — ژاپونی با اینکه به لغت انگلیسی اشنائی کاملی نداشت ولی مورد مهر و محبت این خانواد ه بود او پیوسته در این خانه کلمه بهائی را میشنید و اسم مبارک حضرت عبدالبهاء او را — علاقمند نمود که در این موضوع بیشتر تحقیق و تجسس نماید تا اینکه در تاریخ سپتامبر ۱۹۰۲ در اثر حسن رفتار ارباب خود مطالعه و تجسس بامر مبارک تصدیق و قلب او بنور ایمان منور — گردید پس از تصدیق با کمال عجز و انکسار عریضه ای به لسان ژاپونی نوشته و به حضور حضرت عبدالبهاء ارسال نمود شب و روز منتظر بود که جواب عریضه خود را دریافت دارد چند ی نگذشتکه جواب عریضه او از قلم مبارک رسید و همیکل اطهر جواب کلیه مطالب او را داده بودند ( یا ماموتو ) پس از دریافت لوح منبع مبارک باشوق و شحف زائد الوصفی لوح مبارک را دست بدست میداد و با مسرتی مملو از عشق بهمه اظهار میکرد که جواب کلیه مطالبم آنطور کسه آرزوی قلبیم بود واصل گردید . از آن تاریخ این جوان چنان بشاش و خوشحال و سر مست باده الست بود که همه را متعجب میکرد زیرا قلبش مملو از عشق مولای رؤف بود از یراعه مقدس — حضرت عبدالبهاء روح ماسوا فداه چهار لوح بافتخارش نازل که هر آن او را بیش از پیش مشتعل مینمود و در اتش عشق میگذاخت جوان مزبور پس از مدتی عزم کالیفرنیا نمود و در آنجا نیز در منزل یکی از احباب رعل اقامت افکند و در همانجا پس از مدتی ازدواج نمود در سال ۱۹۱۲ که همیکل مبارک به کالیفرنیا تشریف فرما شدند ( مستر یا ماموتو ) کنفرانسی از ژاپونی های مقیم ( O K L A N D ) که اجازه حضور داشتند تشکیل داد همیکل مبارک در این حفله روحانی خطابه مهمیبتی تحت عنوان اعلان صلح عمومی و انتشار و ترویج آن و مضرات جنگ بیان فرمودند که مورد نظر کلیه حاضرین قرار گرفت — اینک به خاطر آمد که برای مزید اطلاعات چند سطری از کتاب خاطرات نه ساله جناب دکتر یونس افروخته راجع به این موضوع نقل گردد .

## آهنك بديع

( امة الله هلن گودال از اهل كاليفرنيا پيشكار ژاپوني خود را تبليغ نمود و در عريضه خود حضور حضرت عبدالبهاء عرض گرد اين كمينه ياماموتو ژاپوني مستخدم خود را تبليغ کرده ام و رجا دارم تا ئيد الهی شامل شود اين اولين مومن شرق اقصى وسيله نشر نجات در اقليم خود گردد الحمد لله اين رجا و تمنا با جابت مقرون و جناب ياماموتو بعد ها بخدمت امر قيام نمود دريكي از الواح كه بافتخار ياماموتو تازل باين بيان احلى مخاطب .

هو اللله

اي فريد جاپان ووحيد شرق اقصى آن اقليم تابحال از نفعه رحمان محروم بود حال - الحمد لله تو معزم اسرار شدی و واقف بر حقايق انوار زميني بودی اميد وارم كه آسمانی گردی ظلمانی بودی آرزويم چنين است كه نورانی شوی گمشده بيابان بودی بسر منزل جانان پی بردی ماهی لب تشنه بودی به بحر بی پایان رسیدی مرغ آوازه بودی به گلستان الهی پی بردی علیل روحانی بودی شفای حقیقی یافتی حال وقت آن است بکلی از راحت و آسایش و خوشی و آلايش وزندگانی اين جهان فانی بگذری بکلی قيام برهدايت اهل جاپان نمائی رخهارانور کنی و مشامها را مخطر نمائی بجنود آسمانی و تاييدات الهی قلوب اهل آن ديار را مسخر فرمائی از فضل و موهبت پروردگار تعجب منما چه بسيار كه قطره بفضل حق مانند بحر ممتون - گشتوزره بمثابه آفتاب درخشيد افتاب حقیقی جهان الهی را روشن نمود و عالم امکان را نورانی فرمود پرتو فيضش بر شرق و غرب زده و حرارتش در جميع اقاليم انبات فرمود و چون پرتو و حرارت شمس حقیقت محين و ظهير است ديگر چه خواهی بايد مانند بلبل معانی در اين گلشن گلبنانگی زنی كه جميع مرغان بچمن را بنغمه و آواز در آری و عليك التحية والثناء ع )

اما دومين شخص ژاپوني كه بدیانت بهائی اتبال نمود و خود و زندگانی خویش را وقف امرالله نمود مستر ( فوجی تا ) میباشد كه او هم در ایام جوانی برای ادامه تحصیلات از ژاپون عازم امریکا گردید و در ( O K L A N D ) كاليفرنيا در منزل يکی از احبا پانسیون بود و در ضمن حسب معمول انزمان برای تمشيت امور و تامين محيشت و ادامه تحصیل در آن منزل خدمت - میکرد و دائم با اهل خانه معاشر بود در اثر معبت صميمانه ان خانواده و ابلاغ امرها رك تصديق نمود او پس از اينكه مومن گردید سراپا عشق و محبت و وفا داری شد حالتی عجيب - داشت مانند عاشقانی كه دور از معشوق ميگذرانند در آتش فراق و حرمان ميسوخت و آرزوی

## آهنگ بدیع



جناب فوجی تا

( از راست بچپ نفردوم از ردیف جلو )  
در میان جمعی از اجبای دوره میثاق  
در ارض اقدس

زیارت حضرت عبدالبهاء اورا هر آن  
بسر منزل مقصود نزدیک ترمی ساخت  
حضرت عبدالبهاء درباره او فرموده  
مستر فوجی تا سراپا محبت و عشق  
و خدمت میباشد او بامر مبارک عالم  
گوی یار شد به حیفا برای زیارت آن  
مه تابان روانه گردید مدت مدیدی  
ملازم حضور بود و در آستانه مقدس  
مشغول خدمت بعد از صعود مبارک  
بادلی آزرده و قلبی شکسته به ژاپن  
موطن اصلی خود مراجعت نمود ولی  
دیگر تاب و توانی نداشت و آرزوی  
جز خدمت در اعتبار مقدسه در سر  
نمی پروراند تا آنکه مولای اهل بها  
حضرت ولی امر اقدس ابهی اورا بار  
دیگر به حیفا طلبیدند و آرزوی  
را بر آوردند در حال حاضر زائرینی

که بارض اقدس برای زیارت اعتبار مقدسه تشریف میبرند پیر مرد جثه کوچک و ضعیفی را ملاحظه  
میکند که از عمرش بیش از ۸۰ سال میگذرد ولی چنان چالاک و زرنگ میباشد که همه را  
متعجب میکند دائم غنده بر لبان او نقش بسته و مست باده الست میباشد فارسی صحبت میکند  
انگلیسی صحبت میکند با زبان حال و قال با همه زائرین راز و نیاز میکند این مجسمه خلوص و محبت و انتقال  
کسی نیست مگر مستر فوجی تای ژاپونی که مقیم ارض اقدس میباشد صعود مبارک حضرت  
ولی امر الله ضربه شکننده بود که به هیکل نحیف این مرد جان فشان وارد شد و کمر اورا خم  
نمود هیکل مبارک در بالای کوه کرمل قطعه زمینی باو اهدا فرموده اند تا بسلیقه خود بسه  
سبک باغ های ژاپونی گل کاری کند و آنرا بنام "باغ فوجی تا" مسمی نموده اند و با فرموده اند  
فوجی تا نام پادشاهان ژاپون از خاطره ها خواهد رفت ولی نام تو تا ابد در این مکان باقی

## آهنگ بدیع

ویر قرار خواهد بود در اپریل ۱۹۶۴ ایام عید سعید رضوان اینجانب با خانواده خود - سعادت زهارت اعتاب مقدسه را پیدا کرده وپاین سعادت عظمی مفتخر شدیم در روز دوم و سه روز موفق بملاقات این مرد تاریخی و زنده دل شدیم و همه ما با او به زبان ژاپونی تکلم مینمودیم او پیش از پیش مسرور بود که میدید احبای ایرانی به زبان ژاپونی با او سخن میگویند هر روز بملاقات ما به مسافر خانه میآمد وساعات مھوالی را با ما میگذراند تا از ژاپون و ژاپونی ها به زبان ژاپونی از ما بشنود قبل از اینکه زکری از مومنین اولیه ژاپونی در مملکت ژاپون - بنمائیم خوب است مختصری در باره اولین مهاجر عزیزی که تمام عمر خود را فدای امر مهاجرت در ژاپون نمود و در سال ۱۹۵۷ از طرف همگ اظہر بسمت ایادی امر الله انتخاب گردید بیان کنیم خانم اگنس الکساندر اولین فرد بهائی بود که بامر مبارک حضرت عبدالبہاء قدم باین جزیره نهاد او در حال حاضر هشتاد و نهمین سالهای عمر خود را در کشور ژاپون با کمال نشاط و صحت میگذراند او فریدا و وحیدا بدون اینکه در عالم ازدواج قدم گذارد در سال ۱۹۱۴ بامر مطاع حضرت عبدالبہاء به ژاپون حرکت و با کمال استقامت عمر خود را وقف تبلیغ و تبشیر امر بہا نمود چه بہتر کہ ما قسمت مختصری از ترجمه مراسله خود ایشان را در این مقاله نقل نمائیم

جوانان بہائی ایران برادر روحانی بہائی ما حشمت الله وحدت درخواست نموده اند کہ شرح مختصری راجع بہ مومنین اولیه ژاپونی در مملکت ژاپون برای چاپ در مجله عزیز شما بنویسم من بسیار خوشحالم کہ مر اشریک و سہیم نموده تا در این مقاله سہمی داشته باشم - در سال ۱۹۳۷ وقتی کہ بزیرت اعتاب مقدسه رفته بودم در اولین روز کہ افتخار زیارت مولای عزیز حضرت ولی امر الله را پیدا نمودم در سر میز شام بہ این بنده امر فرمودند کہ تاریخ امر را در ژاپون و ہاوائی کہ موطن اصلی خودم میباشد بر شتہ تحریر در آورم زیرا اولین شخصی بودم کہ در ناحیہ پاسیفیک بامر مبارک ایمان آورده بودم بنا بر ارادہ مبارکش این دستور جامہ عمل پوشیدہ و امیدوارم بعد ہا این تاریخ بزیر طبع آراستہ و در دسترس احبای عزیز قرار گیرد بنا بر کفہ حضرت مسیح کہ پیغامہای او را در عالم باید مومنینش انتشار دهند و خود او - مجددًا باین عالم باز گشت خواهد نمود پدر و مادر بزرگ من زندگانی و خانہ خود را ترک نموده در سال ۱۸۳۱ با کشتی بعد از ۶ ماہ مسافرت بہ ہاوائی رفته و در آنجا متمکن شدند پدر من مورخ معرفتی بود و شغل او اصلاً ریاست کالج بود و در ہاوائی زندگانی مینمود

## آهننگ بد یح

در تاریخ ۲۶ نوامبر سال ۱۹۰۰ که به رم ( ایتالیا ) رفته بودم و در عنفوان جوانی بودم در اثر حادثه و ملاقاتی از خواب سنگینی بیدار شدم و بامر مبارك ايمان آورده و قلبم بنور امید روشن و منور گردید برآستی که آن روز برای من روز عزیز و مبارکی بود در همان موقع از پیراعه مقدس حضرت من اراده الله لوحی بافتخارم نازل گردید که در اول آن مرا ( ای بنده و کنیز درگاه الهی ) - مخاطب ساختند در سپتامبر ۱۹۱۴ در جنگ عالمگیر اول نیز در اروپا بسر میبردیم که لوح جدیدی بافتخار من واصل گردید که در آن فرموده بودند بسیار برای تو خوب است اگر مستقیماً بژاپون بروی بنظر میاید افتخار انتشار و ترویج امر در ژاپون در عالم ملکوت بنام من نوشته شده بود و از طرف خداوند مهربان این هدیه گرانبها برای من نگاهداری شده بود و ورود من در ماه نوامبر ۱۹۱۴ به ژاپون و تأییدات الهی که شامل حال شد همه داستانهای عجیبی است که بیشتر به معجزه شبیه مییابد که شرح آن سبب طول کلام خواهد شد . . . .

اولین فرد ژاپونی که در مملکت ژاپون بامر مبارك ايمان آورد جوان محصلی بود ۱۸ ساله بنام ( کیکوتا روفوکوتا ) که در تاریخ ۱۹۱۵ قلب او بنور ايمان منور شد و عریضه‌ی بزبان ژاپونی حضور حضرت معید البهاء نگاشت و ارسال نمود و در ماه فوریه سال بعد بافتخار او لوحی واصل و این اولین لوحی بود که بیک ژاپونی که در مملکت ژاپون زیست میکرد عذر صدور یافت دومین - شخصی که در ژاپون اقبال نمود و باین عطیه کبری و منقبت عظمی مفتخر گردید شخص جوانی بود بنام مستر ( توری ) ( T O R Y ) که از نعمت بینائی ظاهری محروم بود از سال ۱۹۱۶

الواحی بافتخار او نازل گردید که هر دم آتش شوق او را بیش از پیش بر میافروخت .  
اینک قسمتی از یکی از این الواح مبارك زیلا نقل میشود :

" . . . ای یار وفادار اهالی آن دیار هوشیار و بلند افکار ولی از احد مسافت نفعه مشکبار تابحال بمشامشان نرسیده از اشراق شمس حقیقت از افق ایران بیخبرند شما چند نفر که در آنجا هستید اگر جانفشانی نمائید و بنار محبت الله برافروزید و چون ستاره از افق حقیقت بدرخشید در اندک زمانی آن اقلیم جنت النمیم گردد ژاپان روشن شود و چون گلزار و چمن سبب فرح قلوب هر انجمن گردد تا توانید بگوشید تا منجذب روی آن دلبر آفاق گردید و و بحرارت آتش محبتش آن کشور را آتش بار نمائید و عليك البهاء الابهی (

و در لوح دیگر او را باین بیان احلی مخاطب میفرمایند :

( ای صاحب دل بینا هر چند بصر جسمانی مفقود ولی بحمد الله بصیرت قلب موجود دل بینا



## آهننگ بدیع

است و روح شنوا این دیده تن معرض هزار امراض و عاقبت یقینا باطل گردد ( . . . . )  
در حال حاضر مستر ( توری ) ( T O R Y ) در کیوتو یکی از شهرهای ژاپون زندگانی  
میکنند و در میان مردم و وزارت فرهنگ مقام شامخی را دارا میباشد و مدرسه ای برای کورها  
تاسیس نموده و از شهر دار برای خدمات بارزه اش مدال طلا دریافت کرده بخیر از مستر (توری)  
دو نفر دیگر که آنها هم از نعمت بینائی ظاهری محروم بودند با سر مبارک ایمان آوردند و -  
بافتخار آنان نیز لوحی از یراعه مقدس حضرت من ارادة الله نازل که سبب سرور و بهجت آنان  
گردید جمعا تعداد ۵ لوح بافتخار این نابینایان نازل شده است ( اینجانب در مدتی  
که در ژاپون میباشم چندین مرتبه موفق به ملاقات مستر توری شده این شخص دارای معلوما ت  
و حافظه عجیبی میباشد و پیوسته قرینه محترمه اش که بشرف ایمان مشرف میباشد دست او را -  
گرفته و در محافل و مجالس راغنمایش میباشد ) سومین شخصی که در ژاپون مومن گردید دختر  
جوانی بود بنام خانم ( یوری گو ) ( Y U R I K O ) که بافتخار این خانم دانشمند و لوح  
نازل گردیده این خانم موفق شد که کلمات مکنونه را از زبان فرانسه به زبان ژاپونی ترجمه  
نماید و فعلا در قید حیات میباشد و به فعالیتهای امری خود ادامه میدهد ضمنا تعداد  
۱۹ لوح بافتخار احبای ژاپون از کلک مقدس حضرت عبدالبهاء نازل گردیده است در سال  
۱۹۳۲ کتاب دکتر اسلمنت بزبان ژاپونی ترجمه گردید و در سال ۱۹۳۶ مستر توری نیز -  
کتاب مذکور را به خط مخصوص کورها تنظیم و منتشر نمود و پس از آن مرتب جزوات مختلف و کتب  
امری ترجمه و در دسترس عموم گذارده شده و در کتابخانه های مهم مملکت برای استفاده عموم  
بودیمه گذارده شده است باری پس از ۱۸ سال تنهایی و استقامت و زحمات لاینقطع ایادی  
امر الله خادم برازنده میس الکساندر اولین محفل روحانی توکیو در سال ۱۹۳۲ تشکیل  
گردید و این وجود مقدس مرتب در گوشه و کنار مشغول مسافرت و تبلیغ امر الله بود تا اینکه  
نقشه ده ساله جهاد روحانی شروع شد و دستور همیکل مبارک حضرت ولی امر الله راجع به  
امر مهاجرت عز صدور یافت احبای ایرانی و امریکائی قدم باین جزایر گذاردند و در سال -  
۱۹۵۴ دومین محفل روحانی در ناحیهائی بنام ( کانسای ) تشکیل شد و روز بروز اثمار  
این شجرکه بدستور مبارک حضرت عبدالبهاء و بدست میس الکساندر غرس شده بود نمایان تر  
و بار و برش بیشتر میشد تا آنکه در رضوان سال ۱۹۵۶ با ورود عده دیگری از مهاجرین  
عزیز و احبای بومی جمعا هشت محفل روحانی تشکیل شد تشکیل این محافل بحضور مبارک

## آهنگ بدیع

مخبره گردید و سبب سرور و بهجت هیكل اطهر شد و اساس محفل ملی که یکی از اعمده بیت العدل اعظم بود گذاشته شد بنا بر امراده مبارکش در رمضان ۱۶۵۷ با حضور نماینده هیكل مبارك ایادی امر الله جناب خاضع اولین کانونشن شمال شرق آسیا که نمایندگانش از محافل ژاپون و هنگ کنگ و مملکت کره بودند برای انتخاب محفل ملی تشکیل گردید. خواننده عزیز براستی نمیدانم آن روز عزیز و شوق و شور احبای مهاجر را چگونه شرح بدهم همه از شوق میگریستند و چون پروانه حول شمع ایادی امر الله خانم میس الکساندر که این چراغ را در این مملکت بر افروخته بود میچرخیدند او هم شده ۴۲ سال زحمت و مشقت و فراق و جدائی و تنهائی و در بدری خود را بدست آورده و برای الصین شاهد موفقیت را در آغوش میکشید و با کبر سن و کمهولت چون جوانان بهر طرف راه میرفت و میخندید و سخن میگفت و همه را بیش از پیش شاد و مسرور و بآینده امیدوار میکرد از آن روز بعد منافل و مجالس متعدد و کنفرانس های بزرگ تبلیغی در شهرها با اعلان در کثیر الانتشارترین روزنامه های یومیه تشکیل و ندای امر الهی را به وضع و شریف و دور و نزدیک ابلاغ نمودند و روز بروز ترقیات سریع در این قطعه از سرزمین مشاهده شد بطوریکه در مملکت کره که قلمرو محفل ملی ژاپون بود بزودی تبلیغ دسته جمعی شروع شد و در مدتی کمتر از سه سال تعداد مومنین به پنجمین هزار ۵۰۰۰ نفر بالغ گردید و به تنهائی محفل ملی جداگانه تشکیل داد و یکی از اعمده بیت العدل اعظم را استوار نمود. در نقشه ۹ ساله که از طرف بیت العدل اعظم طرح شده و وظائفی برای جامعه بهائی ژاپون معین شده است که از آن جمله تشکیل ۶۰ محفل روحانی و ۱۵۰ مرکز امری که فقط برای مجمع الجزائر ژاپون میباشد در حال حاضر در ژاپون ۲۰ محفل روحانی و ۹۳ مرکز امری میباشد ۶ (شش) حظیره القدس در شهرهای مختلف که بهمت احبای جانفشان خریداری و تقدیم گردیده و زمین مخصوص مشرق الانکار در پایتخت مملکت یمنی شهر بزرگ <sup>کیو</sup>تو خریداری شده و گلستان جاوید نیز در یکی از شهرها ابتیاع شده است امید داریم که بر طبق اراده و آرزوی مولای عالمیان امر در این نواحی بیش از پیش ترقی نموده سبب تعجب عالم و عالمیان شود

# برهان لامع

برهان لامع نام رساله ایست که جناب الوالفضل گلپایگانی در سال ۱۹۱۱ میلادی در جواب ایرادات یکی از مبشرین مسیحی تالیف نموده است این رساله در سال ۱۰۵۰ بدیع بهمت لجنه محترمه ملی نشر آثار امری در ۴۴ صفحه تکثیر گردیده است . مطالب ذیل که در بیان بعضی از احکام بدیعه امر بهائی است جهت استفاده خوانندگان عزیز و آشنائی آنان با این رساله عینا نقل میشود .

( اول ) حکمی که خاصه دیانت بهائیه است و در سائر ادیان نیست ( عدم اعتبار احادیث لفظیه غیر مکتوبه ) است و البته این نکته بر اهل علم پوشیده نیست که سبب اختلاف پیهود بدو فرقه بزرگ ( ربانیم ) و قرائیم ( همین احادیث لسانیه شد که کتاب ( تلمود ) از آن تاسیس یافت و موجب افتراق امت واحده گشت . زیرا طائفه ربانیم تقالید تلمود را شریعت واجب الاتباع میدانند و — آنرا اعظم واسطه حفظ و بقا امت بنی اسرائیل

باری سخن از اصل مطلب گوئیم که پرسیده بود که ( بهاء الله چه آورده است که در دیانت مسیحیه نیست ) و اگر چه همین يك قاعده بزرگ که ذکر شد در کشف معضلات کتب سماویسه و تسهیل رفع اختلافات امم و ایجاد وحدت و ایتلاف در هیات جامعه انسانیه کافی است در اثبات اعظمیت و — اکملیت شریعت بهائیه . مع ذلك در نفس احکام و سنن نیز نظر کنیم و مختصات هر يك را با فوائد و نتایج آن معروض داریم .

## آهنگ بدیع

میشمارند . ولیکن فرقه فرائیم آنرا عین بدعت و سبب هلاکت میدانند و باین سبب ممکن نیست که بتوانند با یکدیگر متفق شوند و — ترك مخالفت کنند .

و كذلك در دیانت مسیحیه اعظم موجبات — اختلاف و افتراق همین احادیث لسانیه بود که با اسم ( تقالید ) مذکور میدارند و هر کنیسه ای از کنائس مسیحیه از قبیل کاتولیک و ارتودکس و یسقوبیه و نسطوریه و غیرهم این تقالید متواتره مسموعه از اباء کنیسه را مانند نصوص کتاب مقدس واجب الاتباع میشمارند تا باین درجه که در جماع بزرگ هر وقت که مساله اتحاد امم مسیحیه مطرح مذاکره — میشد تمسك بهمین تقالید مانع از اتفاق و اتحاد میگشت . و همچنین در دین اسلام سبب اختلاف امت و تفرقه ملت بفرق و — مذاهب متعدد در چه مذاهب اصلیه از — قبیل سنی و شیعی و خارجی و چه مذاهب فرعیه از قبیل حنفی و مالکی و شافعی و حنبلی و غیرها تمسك بهمین احادیث لسانیه سد که بعد از صعود شارع دین همین بجوار حضرت رب العالمین از آنحضرت روایت نمودند و هر فرقه احادیثی که خود صحیح دانستند بان تمسك جستند .

ولیکن بهاء الله این بابراکه اعظم وسائل فساد است بر اهل عالم مسدود فرمودند

زیرا بصراحت تنصیص فرموده اند که ( در شریعت الهیه امور منصوصه راجع بکتاب و امور غیر منصوصه راجع بحکم بیت العدل است ) در این صورت اعتبار اخبار و روایات و — احادیث لسانیه در میان امت بهائیه ساقط شد و باب اختلاف که اعظم بابی است از ابواب جهنم بر امر اقدس اعظم مسدود و مقفول گشت .

( ثانی ) از شرائع و احکام خاصه بدیانت بهائیه حکم ( نهی از تاویل کلمات الهیه است ) زیرا تاویل کلمات و تفسیر برای در ادیان سابقه یکی از اعظم وسائل اختلاف گشت و سبب ظلمت افق دین و غفای معانی کتاب حضرت رب العالمین شد و این امری واضح است که مدارك اهل علم مختلف است و مواهب طبیعیه در مراتب ذکا و فطانت و باسوء ادراک و غیاوت بین الشلق متفاوت این است که بدون باب تأویل و صرف کلمات از معانی ظاهریه مقتوح شود اراء غریبه و تفاسیر عجیبه و تاویلات متنوعه متبانییه ظاهر گردد و مذاهب مختلفیه بین امت واحده و دیانت واحده احداث شود .

ولذا بهاء الله صریحا اتباع خود را امر فرمود که بابتاویل را بالکل مصروف دارند و کلمات نازل در الواح مبارکه را بر معانی ظاهره مفهومه حمل نمایند تا عوادی

# نامه های تاریخی

## مرقومه ای از جناب خال اکبر خطاب به جناب وکیل الدوله

یا خیر الحافظین در دارالمبادیه  
سرای خان بمطالعہ فرزند ارجمند گرامی  
حاجی میرزا محمد تقی تاجر شیرازی دامه  
برسد  
قطمیرات

هو

نورچشم گرام اعز من الروح ادام الله بھاک  
امید که همواره در پناه حضرت کردگار بود  
از جمیع مکاره و آلام محفوظ و بر جمله مقاصد  
کامروا بوده باشید بجاه محمد و آله هرگاه  
بجویای احوال بوده باشید لله الحمد والمنة  
در شب عزه شهر رجب المرجب تشریف تقبیل  
آستان ملائک پاسبان امامین همامین کاظمین  
علیہما الف الف التحیة والصلواة مشرف و  
سرافراز گردیده جای شما عالی است نایب  
الزیاره و دعا گوہستم و انشاء الله پس فردا  
که هفتم است روانه میشویم در عرض راه در  
کمال خوبی گذشت برف بارش بر سر سواری که  
اتفاق نشد یک شب برف و شبانه روز بارش  
واقع شد اما در منزل بودیم سرما هم قسمی

نہود کہ زیاد ہباشد صدمہ برساند منت  
خداوند را مطلبی کہ ندارم نوشته باشم  
خدمت سرکار حضرت بہا علیہ السلام مشرف  
شدم جای شما عالی بود کمال التفات و  
مرحمت را فرمودہ شب را نگاہ داشته در  
خدمت ایشان مشرف بودیم حق واقع محرومی  
از فیض خدمت ایشان غمناک واضح است  
خداوند توفیق عنایت فرماید کہ بسماعت  
داعی ادراک خدمت ایشان فائز شوم سرور  
معظم حاجی محمد ابراہیم را عرض سلام  
برسانید جای ایشان عالی است سایر مخادیم  
عظام ہمہگی را عرض سلام رسانیدہ باشید  
الباقی والسلام فی ہ شهر رجب المرجب سنہ  
۱۲۷۷

\* \* \*

مکتوب مذکور از خال اکبر جناب حاجی  
میرزا سہید محمد است کہ بنزول کتاب  
مستطاب ایقان مخاطب شدہ است جناب  
خال این مکتوبرا از عتبات عالیات خطاب  
تقی بفرزند بزرگوار خود جناب حاجی میرزا محمد





## آهنگ بدیع

مطلب مهمی که از فحوای این مکتوب مستفاد میشود اشتها را جمالقدم جل اسمہ الاعظم باسم مبارک " بها " است و پنهانکه مسلم است هیگل اطهر قبل از اظهار امر نیز بدین نام در بین بابیان مشهور بودند .

ضمناً موقعیت روحانی مقام عظیم معنوی حضرتش که مورد اعتراف همگان بوده از تجلیل و احترام خاصی که جناب خال ابراز داشته و محرومی از فیض خدمت ایشان را خسران واضح دانسته و آرزوی ادراک دائمی خدمت آنحضرت را فیض و سعادت شمرده نیز مستفاد میشود نکته قابل توجه اینست که خال معزی الیه در هنگام ارسال نامه مزبور در ابتدای مراحل تصدیق و ایمان بوده ولی بعداً پس از زیارت کتاب مستطاب ایقان بکمال یقین و اطمینان فائز شده است از متن و انشاء این مکتوب پایه تمسک و علاقه ایمانی و اسلامی خال مشا رالیه بخوبی واضح است و خاندان ایشان عموماً مومن و متورع بوده اند میزان معلومات و تحصیلات جناب خال نیز در این مرقومه مستفاد میشود و سلامت و روانی این رقیمه که بقلم یک تاجر نگاشته شده شایان دقت است .

دکتر محمد افغان

و کسبیل الدوله که بلقب مبارک وکیل الحق مفتخر گشته و در دوره میثاق بعنایت و توفیق الهی مامور بنای مشرق الاذکار عشق آباد شده بود مرقوم فرموده است این مرقومه هیچ گونه امضائی ندارد ولی از سیاق مطلعین و تطبیق تاریخ صحت انتساب آن بجناب خال مسلم است - جناب خال متوطن در شیراز ولی فرزند محترمشان در یزد ساکن و بتجارت اشتغال داشته اند - تاریخ این مکتوب - پنجم شهر رجب ۱۲۷۷ هجری قمری است که مصادف با ایام استقرار شمس جمال ابهی در مدینه الله بغداد است - از مضامین این مرقومه و تطبیق تاریخ مزبور با تقویم میلادی چنین استنباط میشود که آن ایام مصادف با فصل زمستان بوده است

چون حاجی معزی الیه پیش از یک سفر - بحیثیات مشرف نشده اند بنا بر بیان حضرت ولی عزیز امر الله در کتاب قرن بدیع که تاریخ تقریبی نزول کتاب ایقان شریف را حدود - سال ۱۲۷۸ تعیین فرموده اند میتوان حدس زد که تاریخ ذیل مکتوب فوق از زمان تقریبی نزول کتاب ایقان حکایت میکند .

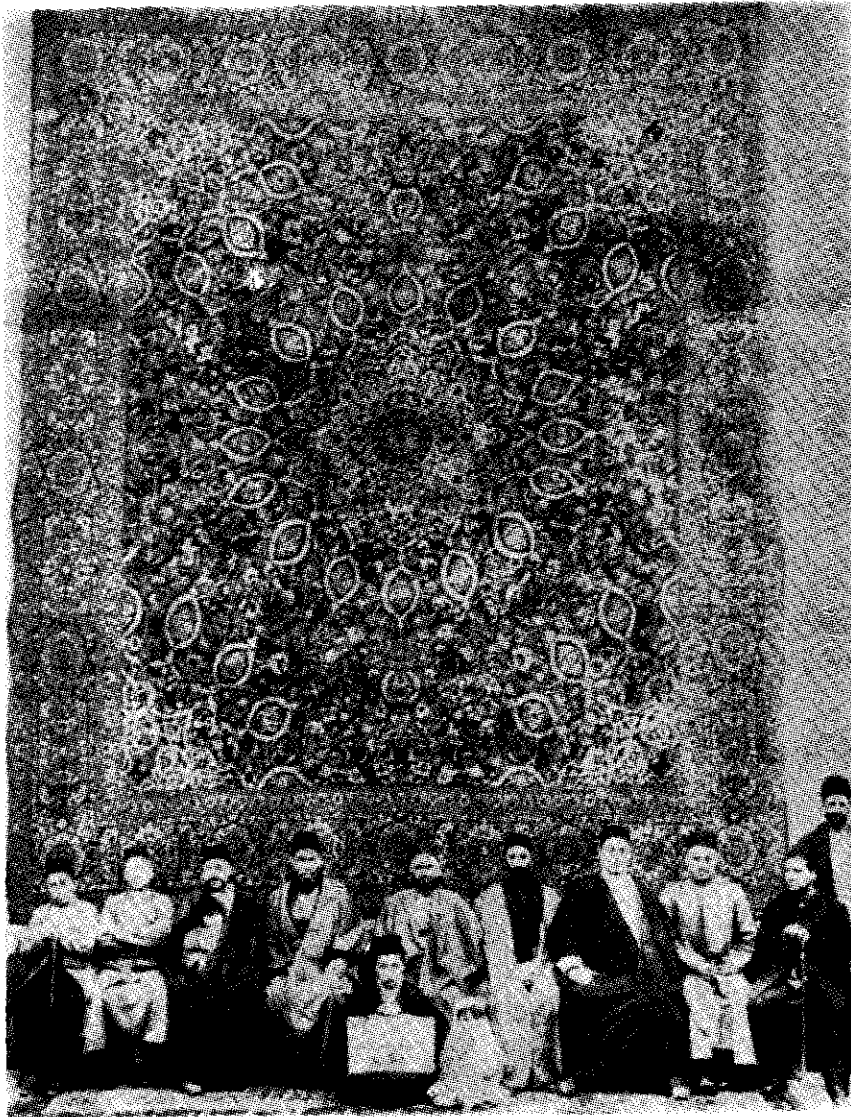
حاج میرزا سید محمد در این سفر تنها نبوده و بحیثیت برادر خود جناب حاجی میرزا حسنعلی که ساکن یزد بوده اند بحیثیات مشرف گشته بودند



# عکس های تاریخی

## قالی تاریخی

در ایامی که بنای مقام مقدس اعلی تقریباً خاتمه یافته بود عددهای از افراد خاندان احمد پور در محضر حضرت عبدالبهاء مشرف بودند . این افراد بسابقه اشتیاق وافری که به شرکت در این مشروع جلیل داشتند از محضر حضرت مولی الوری رجا نمودند اجازه فرمایند قالی مخصوص



جهت فرش کف مقام تهیه و بحیفا ارسال نمایند . این تمنی مورد قبول همیکل مبارک قرار گرفت و دستور لازم در مورد طرح قالی صادر فرمودند . عکس را که در این صفحه ملاحظه مینمائید پس از بافته شدن قالی و قبل از ارسال آن بارض اقدس گرفته شده و نفوسیکه در آن دیده میشوند از عائله حاجی احمد هستند که جسد مطهر حضرت - رب اعلی از کنار خندق خان شهر تبریز بکارخانه حریر بافی وی منتقل - گردیده است این قالی اکنون در مقام مقدس اعلی قرار دارد .

که درام ماضیه وقوع یافت در امت بهائیه  
 وقوع نیابد و امور ناگواری که در میان اصحاب  
 مذاهب بسبب تفاوت مدارك و تعیین مشارب  
 در ایام سابق ظاهر شد در این یوم سعید  
 جدید که یوم ظهور رب مجید است ظاهر  
 نشود .  
 ( ثالث ) از احکام خاصه این ظهور -  
 اعظم ( حکم ببطالان ورد طرفین از اصل  
 اختلاف است ) زیرا یکی از موارد افتراق  
 امت اختلاف علما است در مقام صاحب امر  
 و در ادیان سابقه چنانکه تاریخ بان شهادت  
 میدهد مشهود گشت که چون در مسالهای  
 از اینگونه مسائل فیما بین دو عالم از علماء -  
 دین اختلاف واقع میشد طرفین در رای خود  
 متصلب میشدند و در اثبات صحت قول خود  
 قدم میافشردند و از عوام نیز چنانکه عادت  
 ایشان است جمعی گرد هر یک مجتمع میگشتند  
 و ابواب اتفاق و اتحاد را یکباره سدود -  
 میداشتند چندانکه اخوت دینیه بعد از آن  
 صمیمیه تبدیل میشد و مناظرات علمیه بمحاربات  
 دمویه منتهی میگشت . چنانکه اختلافات  
 ( اریوسیه ) در مساله تساوی اقانیم ثلاثسه  
 که در قرن چهارم میلادی فیما بین ( اریوس )  
 قسیس و ( اسکندر ) اسقف قسطنطنیه وقوع  
 یافت و اختلافات نسطوریکه در قرن پنجم  
 میلادی فیما بین ( تسطوریوس ) اسقف

قسطنطنیه و سایر اساقفه واقع شد و موجب  
 حروب هائله و سفک دماء عزیزه گشت و اثر  
 انشقاقات معززه اش الی یومنا هذا باقی  
 است در این مسأله برهانی واضح و حجتی  
 ظاهر است . دیگر بسبب ضیق وقت از شیخ  
 و فرق عدیده ( کنوسیین ) و غیرحم گسه  
 مورخین کنیسه زیاده از سی فرقه از آنها  
 را شمرده و از آنها بحبارت ( بنات فلسفه )  
 تعبیر نموده اند سخن نمیکوئیم و طالبین -  
 تفصیل را بر جموع بتواریخ معتبره محول و مرجوع  
 میداریم تا بیقین مبین بدانند که اینهمه  
 انشقاقات و حدوث فرق و مذاهب از اختلاف  
 علما در رتبه و مقام حضرت مسیح وقوع یافت و  
 از تصلب علما در رای خود باقی ماند . و  
 بالجمله این مساله اختلاف علما در مقام و رتبه  
 مظهر امر الله یکی از مسائل مشکله محضسه  
 بود که عقول عالیه از پاره آن عاجز آمد و عجز  
 سلطان عظیمی مانند قسطنطین کبیر با وجود  
 همراهی و محاضرت کبار اساقفه شرق و غرب  
 از او در حادثه اریوس از توفیق بین متخالفین  
 وضوح و ظهور یافت بل در این مدت مدیده  
 قوت مباح مسکونیه و بطئی سیوف دول اروپیه  
 و قسوت و قاهریت دواوین تفتیشیه قدرت بر  
 منع قلع دابر انشقاقات علمیه نگشت و لکن  
 این عقده لاینحل و مرغی صاحب العلاج -  
 باسهل وجهه اصلاحش در شریعت مقدسه بهائیه

## آهننگ بدیع

نازل گشت بجه بهاء الله در لوحی از الواح مقدسه بتسراحت امر فرموده که ( چون درجات عرفان خلق متفاوتست اگر دو نفس در رتبه و مقام مظہر امر الله مختلف النظر مشاهده شدند هر دو عند الله مقبولند زیرا خداوند تبارک و تعالیٰ بحکم ایہ کریمہ انا خلقنا النفوس اطواراً ) نفوس را متفاوت المدارک و باطوار مختلفه افریده است و لکن اگر صاحبان این دو مقام در بیان این دو رتبه نزاع و جدال نمایند هر دو مردودند . زیرا مقصود از عرفان مظہر امر الله تالیف قلوب و تہذیب نفوس و تبلیغ امر الله است و از نزاع و جدال صاحبان این دو قول تزییح امر الله شده است و خواهد شد لذا هر دو بنابر را جصند ( این خلاصه لوح مبارک است که عرض شد ) و لذا در این امر اقدس نفسی قدرت بر اختلاف نباید واز بیم سقوط احدی تجری بر استبداد برای ننماید .

قلعه شیخ طبرسی بقیه از صفحه ۱۵۰

نموده و همینکه اطمینان از کشته شدن نمودند در زمین پستی در همان حوالی انداخته و خاک روی آنان ریخته و مدفون ساختند .

۳ - قریب ۴۰ نفر از اصحاب را که به نیرنگ در اردو خواسته و دستگیر نمودند بودند بد رخت بسته و یک یک تیرباران کردند و عده ای را یا مرخص و یا فروختند و عده قلبی را کت بسته منجمله حضرت قدوس بیار فروش برده و بین شهرهای مازندران ( از قبیل ساری بابل - آمل ) تقسیم و علماء و مردم هر یک را در آن شهرها بوضع ناهنجاری شهید نمودند .

۴ - سر حطام دزوا محل دفن جسد مظہر آمیرزا محمد باقر کوچک ( پسر دای حضرت بابالباب ) و محل دفن جسد مظہر آسید احمد ( برادر بزرگ آقا میرابوطالب و آقا سید محمد رضا شہمیرزادی ) است که پس از شہادت دفن شده اند . اردوی دولتی پس از کشتن اصحاب عده ئی را بقلعه فرستاده دیوار و خندق دور آنرا خراب و آثار داخل آنرا ویران ساختند

# قیمتِ نوجوانان

## مطالب این قسمت :

نتیجاتی از الواح مبارکه حضرت محمد، الله  
امیدهای آینده ، روی سخن باشماست .  
قسمتی از کتاب بحیث القدر - نیایش  
سابقه - معلومات خود را بیازمائید  
جواب سابقات -

جان هفت میفریاید

سرهرداستان نام یزدان است

ای دوستان یزدان آوازیکنا خداوندی نیازا بگوش جان بشنوید تا شمارا  
از بند گرفتاریها و تیرگی ناریکی ها آزاد فرماید و بروشنائی پاینده رسانند.

ای بنده یزدان از بیگانگان بیگانه شو تا یگانه را بشناسی بیگانگان مرد  
هستند که شمارا از یگانه دور مینمایند.

ای بندگان از کردار بد پاک باشید و بگفتار پروردگار رفتار کنید  
این است سخن خداوند یکتا.

ای بندگان تنهای شما مانند نهالهای باغستان است و از بی آبی  
نزدیک بخشگی است پس بآب آسمانی که از ابر بخشش یزدانی  
روانست تازه نمائید.

# امیدهای آینده روی سخن شماست

یکی از مهمترین و اساسی ترین مبادی و تعالیم این ظهور مبارک تعلیم و تربیت عمومی و اجباری و همچنین تقدم و رجحان تربیت بر تعلیم است و در خصوص این حکم محکم از قلم اعلی و کلک اطهر مرکز میناق نصوص و آیات کثیره نازل گشته و اهمیت آن گوشزد گردیده است. بر طبق این تعلیم مبارک که از جمله امتیازات این دور بدیع است تعلیم و تربیت در سد دیانت مقدس بهائی امری اجباری است بدین معنی که جمال قدم جل اسمه الاعظم امر تعلیم و تربیت اطفال عالم را تنها باراده و اختیار والدین آنان و اگذار نفرموده و مقرر داشته اند که اگر پدری در تربیت اولاد خود اعم از دختر یا پسر قصور کند و در اجرای این فریضه حتمیه که مخصوص کتاب مستطاب اقدس است تکامل نماید الاحق پدری از اوساقت و ثانیاً در صورت استطاعت مخارج تربیت و تعلیم اطفال وی به اجبار اخذ خواهد شد و در صورت عدم بضاعت برامای ملت و اعضای بیوت عدل است که از صندوق عمومی جامعه مخارج تربیت و تعلیم اینگونه اطفال را فراهم نمایند.

امر تعلیم و تربیت اطفال عالم در این ظهور بدیع نه فقط اجباری است بلکه عمومی نیز میباشد بدین

معنی که عین فردی از افراد بشر اعم از دختر یا پسر فقیر یا اغنی سیاه یا سفید شرقی یا غربی از این حکم محکم الهی مستثنی نیست و عموم افراد انسانی از هر طبقه و جنس و نژاد و ملت و مذهب که باشند باید از نعمت تعلیم و تربیت صحیح و یکسان بهره یابند و از سقوط در دره مخوف و تاریک جهل و نادانی رهائی جویند.

علاوه بر اجباری و عمومی بودن امر تعلیم و تربیت در این آئین دلنشین اولاد تربیت مقدم بر تعلیم دانسته شده و ثانیاً تربیت روحانی مرجح بر تربیت جسمانی و انسانی است یعنی هدف شریعت مقدس بهائی آنست که در مرحله اول افرادی مؤمن و مخلص و وظیفه شناس و خادم نوع انسانی و بطور کلی متخلق بکمالات و صفات عالییه انسانی تربیت شوند نه آنکه در اعلی مراحل علم و دانش ظاهری بوده و لکن از فضائل الاتی و معنوی بی نصیب باشند.

در دنیای امروز بسیارند نفوسی که در اوج اسما ن علوم و صنایع و اختراعات و اکتشافات به پرواز آمده اند و از لحاظ تامین زندگی مادی و راحت و آسایش حیات جسمانی افراد بشر به موفقیت هائی در خشان توفیق یافته اند و لکن چون سرمایه معنوی آنان ناچیز

## آهنسنگ بسدیسع

متنوع و مناسب و امثالهم را نیز در اختیار نداریم و از طرف دیگر سیر حرکت و جریان تمدن محکوم بزوال مادی و وضع اجتماع و محیط کنونی که ملا برخلاف جهت تربیت روحانی بهائی است و روز بروز عدم اعتناء باصول و موازین اخلاقی و ایمانی رواج بیشتر یافته و اجتماع از لحاظ سرمایه معنوی و روحانی فقیر تر میشود .

و فور فیلمهای غیر اخلاقی و تجارتي که از مرحله عفت و حیا فرسنگها فاصله دارد رواج روز افزون مجلات و نشریات سبک و داستانهای عشقی و غرامی تا توانی و عدم کفایت مدارس و سازمانهای فرهنگی در تربیت - اخلاقی و ارشاد نوباوگان و جوانان مناظر و حوادث - دور از اخلاق و انسانیت که همه روزه در محیط زندگی و اجتماع بچشم میخورد و شرح آنها معمولاً با خطوط درشت در مجلات و روزنامه ها درج میشود نفوذ و تاثیر روز افزون مظاهر تمدن لجام گسیخته مادی و تقلید کور کوران قاطبه مردم مشرق زمین از شیئات اهل غرب و ظواهر تمدن مادی آنان و بالاخره بسیاری - عوامل موجوده دیگر روز بروز بر شدت بحرانی و مفاسد اخلاقی جا معه میافزایند .

در چنین موقعیتی جوانان هوشیار و با فراست بهائی که برورده دست های توانا و پر عطف و مولا ی حنون و عزیزند و در حصن حصین امر الهی مأوی دارند باید علیرغم موانع و مشکلات موجوده و فقدان وسائل و امکانات بکمال همت و جدیت خود را از تند باد شرور و مفاسد اخلاقی محیط کنونی محفوظ دارند و به حقیقت حامل پیام نجات و فلاح جمال اقدس الهی برای این

و تربیت روحانی و حقیقی ایشان ناقص و ضعیف است نه تنها به ایجاد یک زندگی توأم با سعادت و آرامش بجهت افراد بشر نائل نشده اند بلکه آینده مخوف و ترسناکی را هم برای عالم انسانی تعبیه نموده اند . بهمین جهت قلم اعلی تربیت امر تعلیم و تربیت روحانی را بر تربیت جسمانی و انسانی مقدم داشته و تاکید فرموده اند که در مدارس عالم باید ابتداء اصول اعتقادات روحانی و فضائل معنوی تدريس و تفهیم شود و قلوب اطفال در مرحله اول از عرفان الهی و خشية الله مملو گردد آنگاه علوم و فنون مختلفه متداوله تعلیم شود .

جوانان عزیز - بدون شك در عصر ذهبی دور مقدس بهائی و در مستقبل ایام که مدنیت عظیم و عمومی الهی در عالم تاسیس و سلطنت روحانی و معنوی شارع قدیر در این کره خاکی بر طبق وعود حتمیه - الهیه نمودار میگردد اصول و تعالیم منصوصه در خصوص امر مهم تعلیم و تربیت بهائی نیز به مرحله اجراء و عمل گذاشته شده و گریبان عالم انسانی از چنگال دیو و جهل و نادانی و اوهام و خرافات و تعصبات و اختلافات رهائی خواهد یافت و لکن مسئله ای که لازم است در حال حاضر انظار شما عزیزان بدان معطوف شود آنست که ما اکنون در - موقعیتی و در زمانی زندگی میکیم که هنوز مدنیست روحانی جهانی بهائی تاسیس نشده و هیچیک از عوامل و وسائل تعلیم و تربیت بهائی مانند کودکان دبستان - دانشگاه - مجمع - مجلات و نشریات -

## آهنگ بدیع

عالم پررنج و محنت که بفقر معنوی و اخلاقی دچار شده است باشند . زیرا اگر خدای ناکرده ما جوانان بهائی که امیدهای آینده ایم کوچکترین غفلتی رواداریم و تحت تاثیر محیط فاسد خارج قرار بگیریم نه تنها بشرايط وفا قیام نکرده ایم و نسبت به جا نیز بها و فداکاریهای مداوم اسلاف خود در طول تاریخ درخشان امر نازنین الهی بی اعتنائی و بی وفائی نموده ایم بلکه قبل از هر چیز دود این غفلت و بی اعتنائی بچشم خودمان و خانواده مان خواهد رفت و مالا در میدان مسابقه زندگی و ترقی بمدارج عالییه عقب مانده و خجل و شرمسار خواهیم گشت و پس از گذشت زمان انگشت ندامت بدندان حسرت و اندوه خواهیم گزید . بنابراین در چنین موقعیت حساس و پر مخاطره باید بوظائف و اهداف روحانی خود توجه نمائیم و باعزیمی راسخ بحفظ و حراست خود از آلودگی بفاسد مستولیه بمر اجتماع خارج پردازیم . برای توفیق در این امر خطیر باید که اولاً هیچگاه انس و الفت خود را با بالواح و آیات مبارکه که بهترین غذای روح و وسیله درک حقایق سامیه این ظهور مبارک است قطع نکنیم و بانجام فرائض عبادتیه از قبیل صوم و صلوه و تلاوت آیات و مناجات در صبح و شام پردازیم و ذکر حق را بفرموده قلم اعلیٰ طبیب جمیع علتهای خود دانیم و ثانیاً ارتباط خود را باتشکیلات بهائی قطع نکنیم و سعی نمائیم قسمتی از اوقات هفته خود را در محافل و مجالس احتفالات و کلاسهای

امری و معاشرت بادستان بهائی بگذرانیم . بدون شك شرکت در خدمات تشکیلاتی و عضویت در احتفالات و کلاسهای مختلفه و حضور در مجالس و کنفرانسها در حال حاضر یکی از عوامل موثر در حفظ و صیانت قوای روحانی ما میباشد زیرا صرف نظر از اینکه در اینگونه مجالس و مجامع دقایقی چند با احبای الهی و جوانان بهائی ما نوس هستیم استماع آیات و الواح مبارکه نموده و از اخبار و بشارات امریه نیز مطلع و بر مسلمات امریه خود میافزاییم .

از استان جمال اقدس ابهی رجا داریم که مساجدان عزیز بهائی را موفق نماید تا با طلب تایید از ساحات قدس او و با توسل بدعا و مناجات و زیارت نصوص و آیات مبارکه و استمداد از تشکیلات بهائی و همچنین با استفاده از راهنمایی های سودمند بدران و مادران عزیز خود و با دقت کامل در انتخاب دوست و هم نشین و کتابهایی که مطالعه میکنیم بانچه شایسته يك جوان بهائی است عامل گردیم و با داشتن تربیت روحانی و خلق و خوی رحمانی ممتاز از دیگران شویم و مصداق این بیان احلای طلعت میثاق گردیم که میفرمایند .

" بهائی یعنی جامع جمیع کمالات انسانی "

انتهی



## شبی در محفل دوستان

تلخیص از کتاب بهجت الصدور «سفرنامه حاجی میرزا حیدر علی»

حاجی میرزا حیدر علی نقل میکند که بعد از <sup>واقعه</sup> شهادت سلطان الشهدا و محبوب الشهدا در اصفهان جزای ظلم امام جمعه را کور و کر کرده و با حضرت والا ظل السلطان مخالفت نمود و خلق را بر حکومت شورانید روز چهارم شهادت آن شهیدین مظلومین بود که امام جمعه را حضرت والا از اصفهان مجبورا محبوسا حرکت داد و باین واسطه خدام امام جمعه و مفسدین اطرافش متواری شدند یک کفرشان آمده کاشان و احباب آشنا شده بود و خود را مومن و مؤمن نمایانیده بود و بسیار کلاه احباب را با سم محبت برداشته و احباب بجان خدمت و اعانتش مینمودند و فانی نفاق و بد خیالیش را دانست. شبی در مجلسی حاضر بوده و جمعیت همه حاضر فانی ذکر نموده :

" شخصی از مردن بسیار میترسید با خود گفت : بروم شهری توطن نعیم که مردن نباشد و شهر شهری رفت دید می میرند و فرار کرده تاب شهری وارد شد که قبرستان نداشت اقامت نمود و مسرور و شاکر بود تا دید این بی خردان مرده خورند فرار کرده و بشهری وارد شد مشاهده نمود شخصی سفره نانی و کوزه آبی بر دوش دارد و جمعی لا اله الا الله محمد رسول الله گویند با او میروند تفحص کرده معلوم شد آن حامل نان و آب مرده است و آخرین مشایعت مرده مینمایند. بسیار تعجب نموده و با خود گفت لازم است حقیقت این واقعه را بدانم با آن جمعیت شد و برفتند. بیباغی رسیدند و در باغ باز شد و آن شخص وارد شد و آخرین فاتحه خواندند و مراجعت نمودند. این شخص متحیر و مبہوت و متفکر شد که چه حکایت است - بالاخره مصمم شد که داخل باغ شود و حقیقت را مطلع شود آمد در باغ را کوید آمدند که کیست؟ ذکر نمود : "غریبم و مرده ام" فوری در باغ را باز نمودند و داخل شد و دید باغ بسیار خوبی است و بسیاری هستند به تسبیح و تقدیس و تهلیل و تحمید و تکبیر حی لایزال مشغول و مسرورند. استقبال نمودند و او را بوسیدند و محبت و نوازش نمودند. مشاهده نمود سفره های نان و کوزه های آب هر نفسی موجود است و غذا نمیخورند و با آنها بود و گرسنه شد و در خلوت پنهان از آنها سفره را باز نموده بقدر اشتهاش خورد سه چهار روز باین منوال خود را نگاه داشت بعد دید مرده ها یاهم میگویند. " داخل ما زنده است

## آهننگ بدیع

و باید او را شناخت و دانست . بالاخره همه را حاضر نمودند و ذکر کردند که در بین ما زنده هست میثناسیم ولی خوست خود اظهار کند و اگر خواست بعیرد و اما باشد والا از باغ بیرون رود . و اگر اظهار نداشت ناچاریم او را بعیرانیم و صحبت فانی باین مقام که رسید شخص منافق ترسید و اظهار نمود :

" من زنده ام و از استیصال و اضطراب خود را داخل شماها نمودم حال مرا مهلت بدهید شاید مطالب - شما را بحقیقت بفهم و مانند شماها بعیرم " ذکر شد :

" لا اکراه فی الدین اگر خواستی و طالب شدی حاضریم بکمال محبت باتوصیبت کنیم " و چون اهل لی مجلس متفرق شدند او هم رفت و از کاشان هم رفت .



## یک عکس جالب

دو نفر از جوانان  
بهائی امریکا که  
بمناسبت "روز دوستی  
نژادی" در بنای  
یادبود لینکلن تاج  
گلی نثار مینمایند


# نیایش

قطعه زیر ترجمه ایست از اشعار شاعر بزرگ هند در  
قرن معاصر .  
را بنید رانات تاگور بسال ۱۸۶۱ در هند متولد شد و در سن ۸۰ سالگی در  
سال ۱۹۴۱ وفات یافت این قطعه منتخب از کتاب منظوم او موسوم به  
گیتانجلی است که بفارسی نیایش ترجمه شده .  
باین اثر تاگور جایزه نوبل اهدا گردیده .

ای جوهر هستی وای واجب الوجود  
من پیوسته در یادداشت وجود خویش میکوشم  
تا یاک و صافی باشم  
چون آگاهم که سرایای وجودم در دست توانا و خلاقه تست  
همواره کوشا هستم که افکار و اندیشه های خویش را از هرگونه نادرستی دور و منزله سازم  
چون میدانم تو آن حقیقتی هستی که نور عقل و درایت و خرد را در روح و روانم بتابش  
در آورده ای  
من همیشه جهد دارم تا هر نوع شر و ناپاکی را از دل خویش بزدایم و به گل و گلزار دل بنندم  
چون یقین دارم که تو در اعماق ضریح مقدس تلبم جای داری  
سعی و مجاهده من اینست که وجود ذیجود ترا در اعمال و کردار خویش جلوه گرسازم  
چون واقفم که این نیرو و توان تست که بمن قدرت انجام هر عظمی را می بخشد

# مسابقه

بمنظور ایجاد تنوع بیشتر در مطالب قسمت نوجوانان و با توجه به اهمیت کشف و پرورش استعداد های -  
جوانان عزیز در زمینه های مختلف کمیسیون نوجوانان آهنگ بدیع در صدد است در تهیه مطالب این قسمت  
تا حد امکان از مساعدت و همفکری نوجوانان و جوانان عزیز بهائی بهره برگیرد و تا آنجا که مقدور است از خوانندگان  
کمک بخواهد . باشد که از اینراه استعداد های نهفته بسیار شکفتد و بدینوسیله نه تنها عزیزان جوان  
فرصتی برای ابراز استعداد بیابند بلکه افراد جامعه نیز از پرتو افکار و آثار ایشان بهره مند شوند .  
از این رو نوشتن مطالبی در زمینه های که ذیلا اعلام میگردد بین کلیه نوجوانان و جوانان بهائی بمسابقه  
گذارده میشود و انتظار میرود این مسابقات مورد استقبال خاص خوانندگان عزیز قرار گیرد :

## موضوع مسابقات

- ۱- نوشتن داستان کوتاه امری ( در حدود دو صفحه آهنگ بدیع )
  - ۲- معرفی کتاب - امری یا غیر امری ( " " يك " )
  - ۳- نوشتن شرح حال بزرگان بهائی یا غیر بهائی ( " " دو " )
  - ۴- نوشتن مقاله ای در زمینه مبادی روحانی بهائی ( " " سه " )
- کلیه جوانان و نوجوانان بهائی می توانند در این مسابقات شرکت نمایند .  
مهلت شرکت در هر يك از این مسابقات تا اول بهمن ماه ۱۳۴۴ خواهد بود .  
پس از مطالعه و رسیدگی دقیق آثار واصله بسه نفر اول در هر قسمت جوایزی تقدیم خواهد شد و بهترین  
آنها در قسمت نوجوانان آهنگ بدیع منتشر خواهد گشت .  
شرکت کنندگان میتوانند نوشته خود را بضمیمه مشخصات کامل خویش ( نام نام خانوادگی تاریخ  
تولد - آدرس ) به نشانی طهران - خیابان منوچهری شرکت نونهالان آقای شاهقلی بفرستند .

# مسئله‌های خردیازم

۱- امت‌تعلیم و تربیت در دیانت بهائی اختیار است یا اجباری ؟

۲- تعداد محافل مطیه که تارضوان (۱۲۲) در

سراسر عالم بهائی تاسیس شده اند ؟

۳- نفوسی که از روزه گرفتن معاف هستند ؟

۴- چند نوع صلوة یومیة در دیانت بهائی موجود

است ؟

۵- عهد عصر رسولی ومدت هسریک از آنها ؟

۶- تعداد مراکز امریه عالم بهائی در رضوان سال

۱۲۲ بدیع ؟

۷- هفت وادی در کجا و در چه سالی نازل شده ؟

۸- اول من آمن در قاره آمریکا

۹- اولین مشرق الأذکار بهائی در کجا و در چه

سالی تاسیس شد ؟

## مسئله شماره ۸

این شهر را آدریان امپراطور روم در قرن اول میلاد بنا نهاد . از بناهای -

معروف این شهر مسجد سلطان سلیم است که از آثار تاریخی مهم بشمار

میرود . این شهر مدتی پایتخت آل عثمان بوده .

حضرت بهاء الله در سال ۱۲۸۰ هجری باینجا ورود فرمودند مدت چهار

سال و هشت ماه و ۲۲ روز در آن توقف فرمودند . الواح زیادی در این محل از قلم مبارک حضرت بهاء الله

نازل شده که از آن جمله :

سورة الاصحاب . لوح اول حج . لوح ثانی حج . کتاب بدیع . سوره ملوک . سورة الامر . سورة

الدم . الواح لیلۃ القدس . مناجات صیام . لوح سیاح . لوح اول نایب‌نمون سوم . لوح سلطان

ایران و لوح نقطه است .

معلومات خود را بیازمائید  
جواب

۱- اخباری

۲- ۶۹ محفل ملی

۳- مسافر - مریض - زن حامله - زن شیرده

کسانیکه بکارهای شاقه اشتغال دارند - کسانیکه بسن هم یعنی

۷۰ سالگی رسیده اند و نسوان حسین جریان عادت

۴- صغیر - وسطی - کبیر

۵- عهد اعلی ۹ سال - عهد ابی ۳۹ سال - عهد میثاق ۲۹ سال

۶- متجاوز از ( ۲۱۰۰۰ ) مرکز

۷- در بغداد در سال ۱۲۷۴ قمری

۸- تورتنون چیس

۹- در سال ۱۹۰۲ میلادی و در عشق آباد

توضیح درباره شعر :

خدا

جهت استحضار خوانندگان

گرامی توضیح میدهد که

مترجم شعر تحت عنوان "خدا"

مندرج در صفحه ۱۳۴ (شماره

قبل) یار روحانی جناب فرهنگ

جهانپور میباشد .

جواب مسابقه شماره ۲ " قسمتی از یک کتاب

\* کتاب مفاوضات حضرت عبدالبهاء \*

برندگان این مسابقه بحکم قرعه عبارتند از :

۱- خانم پروین هدایتی مهاجر تونس

۲- خانم سرور فروغی از یزد



انجمن شور روحانی محلی جوانان بهائی قائنات  
( بیسرجند )



جشن روز جوانان بهائی در ایلخچی ( قسمت امری آذربایجان )  
۵ فروردینماه ۱۳۴۴